

در صفحات دیگر میخوانید :

- حاجیه‌های بازار را گردن کلفت تـسـر میکنند، زحمتکشان را سرکوب میکنند.
- "پذیرایی گرم" توده‌ها از سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی.
- ۳ کمونیست بدست جمهوری اسلامی بخون غلطیدند!

سه شنبه - ۱۴ اسفند ۵۹ - ۳۰ ریال

۲۲

بیرد

ارگان سیاسی تبلیغی گروه کمونیستی فیرد

تظاهرات ۲۲ بهمن ۵۹ جلوه‌گاه انحرافات جنبش کمونیستی

۲۲ بهمن ۵۹ ، در خیابان فخر - رازی ، یعنی محلی که کمونیستهای واقعی بنابه دعوت‌های قبلی قرار بود از آنجا بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد قیام تظاهرات خود را آغاز نمایند ، رازی نهفته بود! بطور قطع آن دسته از اعضا و هوا - داران جنبش کمونیستی که مسائل را بادی عمیقتری مورد ارزیابی قرار میدهند و قبل از اینکه ازدا -

منه تبلیغات در مورد یک رویداد به ارزیابی آن بپردازند بهنجایج سیا - سی آن میاندیشند ، میتوانستند در صبح روز ۲۲ بهمن که قدم در خیابان فخر رازی و خیابانهای اطراف می - نهند ، بوجود چنین رازی پی ببرند - از یکسو دسته کوچکی از مردم نا - آگاه زحمتکش با غش و غصب بر علیه کمونیستها - بقیه در صفحه ۲

به دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان شرکت واحد بیا خیزیم!

مردم قهرمان ایران! همه شما میدانید که رانندگان زحمتکش شرکت واحد چند روزی است جهت دریافت ۲ ماه حقوق (سودویزه وعیدی) دست به اعتصاب زدند - و دست آخر نیز با قلبی - بقیه در صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی و کفرانس "غیرمتعهدها"

در صفحه ۱۴

توطئه‌های رژیم و مقاومت قهرمانانه زحمتکشان "خاک سفید"

در صفحه ۱۷

انتقادات و پیشنهادات

در صفحه ۱۵

مبارزات کارگران

در صفحه ۱۳

بالغوسودویژه،

جمهوری اسلامی دشمنی آشتی ناپذیر خود را با طبقه کارگر نشان میدهد! (۱)

امروز در هر گوشه و کناری از جامعه بحران زده مان جایی را نمی - توان یافت که اثری از مبارزه در خود نهان و عیان نداشته باشد . مبارزه برای احقاق حقوق از دست رفته ، مبارزه برای حقوقی که تا دو سال پیش توسط رژیم مزدور امپریالیسم به یغما میرفت و امروز خائنین - بقیه در صفحه ۷

مجاهدین سوسیال امپریالیسم شوروی را تطهیر می کنند!

مجاهدین میگویند : " حال آنکه ما فکر میکنیم اگر شوروی به کم و کیف این حزب دقیقاً پی ببرد ، از آنجا که جر بدنام کردن او در ایران کاری نکند - بقیه در صفحه ۱۰

در آستانه سال جدید؛

کارگران آماج حملات بیرحمانه جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه ۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله ... بقیه از صفحه ۱

شعار میدادند و آمادگی خود را برای جلوگیری از تظاهرات ما و کتک کاری اعلام مینمودند. از سوی دیگر در فاصله کمی دورتر از میدان رزم "شیفتگان وره روان راه آزادی طبقه کارگر" (در میدان آزادی) کارگران و بسیا ری از اقشار زحمتکش جامعه با تجمع عظیم خودبزرگ پرچم مکارترین و کلاش ترین دشمنان طبقاتی خود یعنی مجموعه "لیبرالها" و باند بنی صدر گرد آمده بودند تا اعلام کنند که: برای آزادی طبقه بورژوازی حاضرند بر علیه منادیان آزادی طبقه کارگر مصاف دهند! از جهت سوم: در حالیکه پاسداران جنایتکار همراه سایر دسته های مسلح ارتجاعی مثل بسیج و ارگانه های کمیته و دسته های مسلح وابسته به خلخال و ... رژه قدرت بر گذار مینمودند و با در کمین کمونیستها دقیقه شماری میکردند، دسته های مامورین امنیتی با همکاری فساد حزب الهی ها در سرتاسر خیابان رازی و خیابانهای اطراف و محلهای تقاطع به بازرسی بدنی و بازجویی وتوهین به کمونیستها میپرداختند و در صورت مشاهده کوچک ترین زمینه مشکوکیتی آنها را با راحتی وبدون حمایت سازمانی دستگیر مینمودند.

راستی چرا حزب ارتجاعی علیرغم اینهمه خیانت های آشکار و نهان خود و این همه عوامفریبی های بر ملا شده اش در عرض این دو سال هنوز قادر است بخشی از زحمتکشان نا آگاه را بر علیه وفادارترین یاران طبقا تی خود یعنی کمونیستها بشوراند؟

راستی چرا جناح وسیع "لیبرالها" علیرغم اینهمه خیانتها و سازشکاریها و توطئه های برملا شده شان بر علیه زحمتکشان هنوز قادرند بخش اعظم زحمتکشان را بدور خود نگهدارند؟

راستی چرا و تا کی کمونیستها باید اینگونه بی ارزش گرفتار رژیم سفاک ایران گردند و بدون حمایت ها و پشتیبانیهای سازمانی رها گردند و انواع تحقیرها را متحمل شوند؟ ما میخواهیم جواب خود را به این "چراها" و "رازها" بدهیم.

همانطوریکه روال بحث گویاست قصد نداریم دست روی بی برنامگی و اشکالات تاکتیکی نیروهای برگز ار کننده این تظاهرات بزنیم. چرا که فاجعه بزرگتر از اینهاست. باید دست روی انحرافات کاملاً اساسی جنبش کمونیستی بگذاریم (۱) انحرافات کاملاً اساسی که نیروهای جنبش کمونیستی همه روزه در همه عرصه ها با تبلورات کوچک و بزرگ آن روبرو هستند و در تظاهرات ات ۲۲ بهمن ماه فقط بفریان ترین و غم انگیز ترین وجهی خود را نمایانند. و این نمایانند سرانجامش همان بن بست استراتژیکی خواهد بود که جنبش کمونیستی ایران در صورت رها نشدن از این انحرافات بورژوازی آن در خواهد افتاد. از همان ابتدای مراسم ۲۲ بهمن کمونیستها، میشد فهمید که و رای اشکالات تا کتیکی اشکالات کاملاً اساسی جنبش کمونیستی خود را می نمایانند. برای درک عینی مسئله ابتدا گزارش کوتاه مراسم ۲۲ بهمن را میآوریم و سپس بتحلیل آن خواهیم نشست.

بنابعد دعوت قبلی کمیته سازمانهای پیکار و رزمندگان

و نیز دعوت مستقلانه گروه ما و پشتیبانهای رفقای کومه لسه - شاخه تهران قرار بود ساعت ۱۰ صبح روز ۲۲ بهمن ماه، توده های زحمتکش در صف مستقلی مراسم بزرگداشت دومین سالروز قیام را از خیابان فخر رازی برپای دارند. ساعت ده صبح خیابان فخر رازی انباشته بود از دسته های مسلح ارتجاع حاکم، پلیس امنیتی و "حزب الهی" ها که در عین حال از هیچگونه فحش و توهین نسبت به کمونیستها و در مواردی دستگیری آنان که بصورت لشکر شکست خورده در آنجا پرسه میزدند، کوتاهی نمینمودند. لشکر کمونیستهای واقعی همانطور که تظاهرات ۲۲ بهمن محملی شد که خود را نشان دهد بیشتر از روشنفکران - دانشجویان و دانش آموزان - بود. طبقه کارگر یعنی طبقه ای که ما کمونیستها ادعای رهبری آنها را داریم، یعنی طبقه ای که ما بدون آمیزش سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با پیشرفته ترین بخش آن، فاقد هر گونه هویت و موجودیتی خواهیم بود، دعوت ما را پاسخ ندادند! آنها با اتفاق سایر اقشار زحمتکش جامعه رفتند تا پیام رهایی خود را از زبان بنی صدر در میدان آزادی بشنوند! "رفتنی" که کارگران بذاته بدلیل محدودیت فعالیتهاشان در چهار چوب تردیو بیونی ناچار بهزیمت از این جاده بکطرفه هستند. و "رفتنی" که کمونیستهای واقعی (۲) از آنجا شیکه هنوز در اساسی ترین معنای فعالیت کمونیستی خود یعنی رهبری مبارزات کارگران در عمل فاقد بار تعیین کننده کمونیستی بودند، عملاً بکارگران رخصت دادند! و دسته بسیار کوچکی از زحمتکشان نیز در اطراف دانشگاه یعنی در حوالی محل تظاهرات ما بر علیه ما وارد عرصه کارزار گردیده بودند. اینها مختصاتی بود که در همان دقایق اول خود را نشان میداد. لحظاتی بعد کمیته برگذار کننده تظاهرات یعنی سازمانهای پیکار و رزمندگان تصمیم میگیرند که بارتجاع حاکم ضرب شستی نشان دهند. با وجودیکه تا همینجا روشن شده بود که کارگران و سایر زحمتکش دعوت کمونیستهای واقعی را پاسخ نداده بودند و با وجودیکه بی پایگی کمونیستها در میان صفوف کارگران و سایر زحمتکشان بعین ترین شکلی در پهنه عمل خود را نمایانده بود و لشکر روشنفکری و جدا از کارگرو در عین حال پراکنده کمونیستها در مقابل آمادگیهای قبلی مزدوران و اوباشان رژیم کاملاً ضربه پذیر مینمود، ولی آنها (رفقای پیکار و رزمندگان) تصمیم میگیرند در همان حوالی دانشگاه و حدوداً روبروی سینما کاپری تظاهرات را آغاز نمایند. شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی برای لحظاتی در "میدان انقلاب" طنین میاندازد و "پرچم سرخ رزم کارگران" به اهتزاز در میآید و فقط بعد از یکی دو دقیقه دشمن با یک یورش ناگهان مردانه شعار اتحاد ... را غف می نمایند و "پرچم سرخ رزم کارگران" چون کارگران را بدامان بورژوازی رها کرده بود و نام و سرخی کارگران را فقط از جهت سمبولیک وبدون کارگران با خود یدک میکشید پاره پاره شد. متعاقب آن حمله فاشیستی مزدوران رژیم با کاردهای سلاخی در "میدان انقلاب" و بخصوص در کوچه متصل

توانند مدعی پراتیک تعیین کننده کمونیستی باشند (آنها از این جهت سازمانها یا گروههای م - ل هستند که بدلیل تنوع وظائف بیرونی و درونی خود سازماندهی درونی برای پیشبرد آن و ... با کارهای محلی خط - کشی مینمایند ولی این خط کشی الزاما مضمون سوسا - لیستی را دربر ندارد) همانگونه که " حزب انقلابی طبقه کارگر فقط زمانی حزب انقلابی طبقه کارگر است که بتواند جنبش طبقه را در عمل رهبری کند " - نقل بمعنی از لنین ، آوانتوریسم انقلابی - و مسلما این رهبری در عمل هم بمعنای کار تشویریک و روشن نمودن ابهامات استراتژیک است و هم بمعنای رهبری عملی .

آنگونه که در تظاهرات ۲۲ بهمن و ... دیده شد عدم رهبری لاقابل بخشهایی از جنبش طبقه کارگر در عمل جدایی سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی م - ل ها از طبقه و یا آنگونه که در صفحات قبل گفتیم " در عمل فاقد بار تعیین کننده کمونیستی بودن " بدین معنا - است که :

" حزب باید از اهداف آتی (و ما اضافه میکنیم اهداف آتی) خود تصویر روشنی داشته باشد . بدون پاسخ روشن به این مسئله دیگر هیچگونه ترویج و تهییج ماری از تناقض و بربری از نوسان و محظورات ذهنی امکانپذیر نخواهد بود . "

- مجموعه آثار انگلیسی جلد ۸ صفحه ۲۱۳ -

(پیکار تشویریک صفحه ۱۰۳ ، جمله داخل پرانتز هم از پیکار است)

این رهنمود لنین بدینمعناست که ما اکنون نباید اساسی ترین انحراف حاکم بر جنبش کمونیستی را عدم ارتباط فیزیکی با طبقه و در نتیجه حل آنرا تماس فیزیکی با طبقه بدانیم . چنین پیشنهادی نمیتواند به نهایت درجه تحقیر تئوری و نفی عنصر آگاهی وفدا - کردن جنبش طبقه کارگر و اکونومیسم خالص نباشد . رهبری مبارزات طبقه در عمل که معیار پراتیک کمونیستی هر حزب گروه و یا سازمان م - ل است عبارتست از : درک از مقتضیات و الزامات عینی و ذهنی حرکت جامعه و چگونگی تاثیر گذاری برای تسریع روند حرکت تکاملی جامعه بر بستر فوق ، درک از بافت اقتصادی - اجتماعی جامعه و ظرفیت و مناسبات بین طبقات و داشتن نقشه برای صنایع و کشاورزی و ... و کشف شعارهای تاکتیکی بر راستای کشف همه ابهامات استراتژیک و پراکتیک و ... در یک کلام کوشش فکری و عملی برای تدوین تئوری انقلاب .

در اینجا باید یاد آور یک انحرافی در این زمینه مرز بندی نمود . اول اینکه هرگونه کار فکری برای روشن شدن ابهامات استراتژیک و تاکتیکی را مقدمتا و قبل از هر چیز موکول به ارتباط با طبقه مینماید و میگوید اول با طبقه ارتباط بگیریم تا بتوانیم ابهامات را روشن کنیم چون تئوری از دل پراتیک (پراتیکی که در ارتباط فیزیکی با طبقه خلاصه میشود) برمیخیزد . این نظر عمیقاً اکونومیستی و شدیداً عقب مانده است و تا -

کنون نیز لطافات زیادی به نیروهای جنبش کمونیستی وارد آورده است . این نظر در سطحی و ناقصی از پرا - تیک و رابطه تئوری و پراتیک دارد . و پراتیک کشف تئوری

کننده " میدان انقلاب " بخیا بان کارگردامه مییابند . لشکر کمونیستها که بدلیل عدم آمیزش وجدایی خود با کارگران پاشنه آشیل خود را در پیشانی شان نصب - العین نموده بودند بدلیل بی برنامگی کمیته برگزار کننده تظاهرات همچون لشکر شکست خورده ای میمانست که در میدان انقلاب با ضربتی که از طرف ضد انقلاب دریافت مینماید پراکنده تر میگردد . نیروهای جنبش کمونیستی با چنین ضعفهایی برای برپایی تظاهرات دیگر در تقاطع خوش - آزادی اجتماع مینمایند . و از آنجا با جمعیتی حدود ۱۵۰۰ نفر وارد آذربایجان و سلسبیل شده و نرسیده به دامپزشکی در حالیکه پرچم دیگری برافراشته بودند و در طول راه شعارهای انقلابی میدادند ، متفرق میگرددند .

تظاهرات ۲۲ بهمن ۵۹ حقیقتاً جلوه گاه اساسیترین - انحرافات و غم انگیزترین عقب ماندگیهای کمونیستهای واقعی بود .

تظاهرات ۲۲ بهمن نشان داد در عرض دو سال - اخیر ، بخش راستین جنبش کمونیستی ایران علیرغم روند رو به رشد در ارتقاء مبانی سیاسی - ایدئولوژیک و گسترش پایگاه اجتماعی خود در صفوف روشنفکران (اعم از دانشجویان و دانش آموزان) هنوز کماکان بر اساسی ترین انحرافات خود نتوانسته فائق آید .

تظاهرات ۲۲ بهمن (۳) نشان داد نیروهای جنبش کمونیستی علیرغم وجود نسبی شان در میان کارگران - و عمدتاً وجود فیزیکی شان و نه وجود ایدئولوژیکشان - بازندگی و مبارزه کارگران عجین و فشرده نشده بلکه بصورت دستجات پراکنده ، مناسباتشان با کارگران سطحی (بدلیل عمیق نبودن برون حرکت جامعه و داشتن ابهامات استراتژیک) و مکانیکی است زیرا بدون رابطه سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی در سطح همان دست یافت - های امروزی به تئوری انقلاب است . یعنی در اینجا مشخصاً ضعف ایدئولوژیک وجود دارد . هنوز که هنوز است تغییر مهم و تعیین کننده ای که مبین تحرک و پویایی جنبش کمونیستی در شکستن پوسته بسیار ضخیم دانشجویی و دانش آموزی خود و گسترش پایگاه اجتماعی پرولتری باشد ، به چشم نمیخورد . عدم گسترشی که از یکطرف در بی توجهی بمسائل طبقه تا همان درجه آگاهی که امروز میتوانیم ببریم و از طرف دیگر در جدا کردن عناصر پیشرو طبقه و جذب آنان در تشکیلات خود ، تبلور می یابد . در حالیکه ارتباط باید پیش از هر چیز در رهبری مبارزات کارگری در عمل بر اساس همان داده های امروز تئوری انقلاب و کوشش در راه رفع ابهامات تشویریک تبلور - یابد . کمونیستهای واقعی که خود محصول یک روند رشد فکری جوشیده از پراتیک انقلابی - عمدتاً دمکراتیک هستند هنوز بمعنای عملی کلمه مقام و جایگاه کامل خود را از آوازه ضحوة دهانند . تشکلات بزرگ و کوچک م - ل ها تا زمانیکه نتوانند ابهامات تشویریک را روشن نمایند و یا از همان درجه آگاهی هایی که امروز بدان مسلطند جنبش بخشهایی از طبقه را در عمل رهبری کنند ، نمی -

رژیم مدای آن در همه جا انعکاس پیدا میکرد ، پیرو-
ان مشی چریکی بدلیل درک غیر مارکسیستی که از وظا-
ف خود داشتند با استنتاجات غیر کمونیستی وذهنی از
" تاثیر " این جنبش برآذهان مردم ونیروی خود می-
رسیدند . آنها صرف اینک مدای این عملیات چریکی
بگوش مردم رسیده باشد - حال خواه با تبلیغات رژیم
خواه با تبلیغات خودشان - باین ارزیابی کاملاً غلط
در مورد مردم میرسیدند که :

" این نتایج که جنبش مسلحانه سالهای اخیر
تاثیرات شگرفی در آزاد کردن نیروهای انقلابی
جامعه ، در شکوفا کردن استعداد های انقلابی
نهفته در میان طبقات مختلف خلق وجهت دادن آن
ها بسمت مبارزه سیاسی وحتی نظامی علیه دشمن
داشته است و با اینکه زمان بسیار کوتاهی از
حیات آن میگذرد تاثیرات بسیار بزرگی درار -
تقاء بینش سیاسی واجتماعی بخشهای بزرگی از
طبقات مردم ما باقی گذارده "

- بیانیه سازمان مجاهدین خلق

(بخش منشعب - ل) - صفحه ۲۶ -

فکر نکنیم که این انحرافات و این ارزیابی های کاملاً
ذهنی در زمان حال مصداق واقعی ندارد وبخلاف نظر
پیکار :

" خط مشی چریکی به ورشکستگی دچار گردید و با به
بن بست رسیدن ومبارزه بر علیه آن به موزه تا-
ریخ جنبش کمونیستی ایران سپرده شد "

- پیکار - تئوریک شماره ۲ صفحه ۷۵ -

بلکه برعکس ما هم امروز با تبلورات فراوان این
مشی آنارشستی جدا از توده روبرو هستیم ، زیرا که
رهاشی از بن بست مشی چریکی نیز اساساً در پرتو مبارزه
ایدئولوژیک ونقد آگاهانه وهمه جانبه آن نبوده است
بلکه بیشتر جبر زمان وبن بست عملی آن بود که مشی
چریکی " بکنار " گذاشته شد وچنین " کنار " گذاشتن
هرگز بمعنای نفی دیالکتیکی وقرار دادن در " موزه
تاریخ جنبش کمونیستی ایران " نخواهد بود . بطوریکه
مجموعه دوسال پراتیک جنبش کمونیستی ایران واز جمله
تظاهرات ۲۳ دیماه و ۱۷ و ۲۲ بهمن ماه نشان داد جنبش
کمونیستی ایران هنوز باید کماکان یک لبه پیکان مبار-
زه ایدئولوژیک خود را برای حرکت به پیش و برای تر-
سیت کمونیستی پرولتاریا ونه آنگونه که رویزیونیست
ها ورفرمیستها میخواهند وموعظه مینمایند برای حرکت
به سمت قهقرا ، متوجه تبلورات آنارشسیم در جنبش کمو-
نیستی نماید .

اگر در زمان حاکمیت مشی چریکی بدون در نظر
گرفتن سطح مبارزات کارگران با ترور یک مزدور رژیم
و یا انفجار یک موزه فساد و یا استثمارگران صحبت

از: " تاثیرات شگرفی در آزاد کردن نیروهای انقلابی

بی جامعه ، در شکوفا کردن استعداد های انقلابی

نهفته در میان طبقات مختلف خلق و ... "

مینمودیم . امروز همین شکل مبارزه (بدون در نظر
گرفتن پیام ومحتوای ایدئولوژیک آن) گریبانگیر ماست
اگر در آن زمان عملیات انقلابی جدا از مبارزات توده-

را فقط در چهار چوب بسیار تنگ وبسته پراتیک در ایران
و آنهم صرفاً ارتباط فیزیکی وسطحی با طبقه کارگرو مسا-
ئل جامعه محدود کرده و . ودیگر در نظر نمیگیرد که
عدم آگاهی به تئوری مارکسیسم - لنینیسم که خود جمع
بست پراتیک بشر میباشد یکی از ضعفهای اساسی ماست
ودیگر در نظر نمیگیرد که بودن در میان طبقه همانقدر
لازم است که کار تئوریک برای درک مناسبات بین طبقات
در ایران و کشف ظرفیتهای بالقوه جامعه وهریک از طبقات
ودرک موقعیت ذهنی طبقه و ... که درک مسائل فوق به
طور اجتناب ناپذیری ما را ملزم مینماید که خصوصیت
عصر خودمان را ، عصر امپریالیسم را با تمام ویژگی -
هایش در سالهای اخیر بشناسیم . چرا که امپریالیسم
تا اعماق واحشاء جامعه مارشده دوانده وتمام سرشت و
آثار وعواقب بحرانیهای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی
خود را بکشور مانیز سرازیر مینماید .

درک دوم همانا درک روشنفکرانه ایست که روشن
نمودن ابهامات تئوریک و " درک از مقتضیات والزامات
عینی وذهنی حرکت جامعه وجگونگی تاثیر گذاری برای
تسریع روند حرکت تکاملی " را جدا از پراتیک انقلابی
در مجموع ، واز جمله جدا از کار در میان طبقه میفهمد
اینجا نیز درک ناقص وسطحی از رابطه بین تئوری و
پراتیک و درک از کشف تئوری انقلاب وجود دارد .

بنابراین م - ل ها باید برای رهبری عملی
جنبش خلق واعمال هژمونی پرولتاریا به دوعرصه اسا-
سی کار همت گمارند : الف : انجام وظائف تئوریک
روی بافت جامعه ، درک موقعیت عینی وذهنی جامعه
وطبقات و ... ویژگیهای دوران اخیر در نفوذ سلطه
امپریالیستها و ب : رفتن به میان طبقه و کار در میان
آنان و بردن همان دست یافته های فعلی تئوری انقلابی
بخصوص آنچه که در اینجا مورد تاکید ماست اینست که
جنبش کمونیستی در عرض این دوسال کاملاً به کار تنو -
ریک روی بخش اول بی توجه بوده وباید جبران این
ماقات را بنماید . چرا که تا چراغ راهنما نداشته
باشیم قدم در تاریکیها برمیداریم . اکنون زمانی
است که جنبش کمونیستی باید حتی انرژی خود را در انجام
کارهای دمکراتیک کم کند و برای انجام کارهای تئوریک
بندالف سرمایه گذاری نماید .

کمونیستها تا زمانیکه نتوانند درک کاملی از روند
حرکت جامعه ودرک ویژگیهای آن و روشن نمودن ابهامات
آن کسب نکنند واز هم اکنون همان داده های مشی خود را
با جنبش طبقه درآمیزند وبدین ترتیب کمک باستقلال
جنبش طبقه از تمامی جنبشهای بورژوازی و خرده بورژوا
بی ننمایند ، عملاً فاقد پراتیک کمونیستی میباشد .

* * *

دردوره حاکمیت مشی چریکی بر جنبش کمونیستی
ایران ، همینکه یکی از مودوران رژیم ترور میشد و یا
بمبئی در یکی از موسسات سرمایه داری وابسته کشته
گذاشته میشد ، یعنی عملیات انقلابی جدا از پراتیک
مبارزاتی طبقه کارگرو سایر زحمتکشان وفقط بصرف
اینکه مدای آن در همه جا میپیچید وبصرف اینک چه با
تبلیغات پیروان مشی چریکی وجه با تبلیغات خود

ها بود تظاهرات ۲۲ بهمن هم همانگونه بود . کمو - نیستها برای خودشان تظاهرات گذاشتند و کارگران هم برای که در دسترستان بود یعنی برای بورژوازی رفتند ، درحالیکه اگر یکی از کارهای ما سازماندهی برای چگونگی شرکت آگاهانه در سخنرانی بنی صدر پخش اعلامیه و انجام بحث قبل و چه بعد از سخنرانی بود ، بطور قطع دستاور فراوانی داشتیم .

اگر در زمان حاکمیت مشی چریکی جدا از سطح مبارزات توده ها بطور فردی به جنگ تن بدن با رژیم می رفتیم . اما امروز جدا از مبارزات توده ها و ملی نه بصورت فردی بلکه بایک جمع وسیعتری مرکب از نیرو های سازمانی خود به جنگ رژیم میرویم که در هر صورت نتیجه یکی است . زیرا چه در آن شکل وجه در شکل جدیدش ما با حرکت از بطن مبارزات خود طبقه بسمت جلو حرکت نکرده و خود را در خدمت رهبری مبارزات آنها قرار نمیدهیم بلکه مبارزات جدا از طبقه ماست که در آنجا بصورت فردی و نظامی انعکاس مییافت ولی در شکل نوینش دو خصیصه بدان پیچیدگی میبخشد ، و اتفاقا بخاطر همین دو خصیصه است که رفقای پیکار میپندارند این تظاهرات آنارشیستی نیست . این دو خصیصه عبارتند از : الف : در زمان حاکمیت مشی چریکی عملیات جدا از توده ما بصورت فردی بود و اکنون بصورت سازمانی است در حالیکه :

" هر قدم جنبش واقعی مهمتر است از یک دوجین " سو : قصدهای انفرادی و آکسیونهای مقاومتی ، مهم تر است از صدها سازمان و " اعزایی " که تنها روشن فکران تشکیل شده باشند "

- لندن ، رویدادهای نوومسائل کهنه -

ب : در آنزمان با عملیات نظامی به جنگ رژیم میرفتیم ولی اکنون با عملیات سیاسی .

اگر در آنزمان همانطوریکه در نقل قول دیده می شود ارزش آن عملیات جدا از طبقه را بهر شاعلی می رساندیم امروز هم این عملیات جدا از توده خود را در موفقیتهای بزرگ " برگزاری مراسم به زیر پرچم سرخ کمونیستها " و از همین نوع عبارات میان تهی مینامیم .

بنظر ما هم رفقای پیکار و هم رفقای رزمندگان و اقلیت با چشم پوشی روی ضعفهای عربان این تظاهراتها هم خود را میفریبند و هم اعضاء و هواداران خود را و هم جنبش را با سرپوش گذاردن بر انحرافاتش بعقب میرانند و در نتیجه به بن بست میکشاندند . ما در اینجا قصد نداریم که بنقد نظرات یکایک این رفقا بنشینیم بلکه ترجیح دادیم به ضعفهای اساسی تظاهراتهای تاکتیکی اخیر انگشت بگذاریم چون در اساس مطلب انحرافات این تظاهراتها متوجه همه آنها و از جمله خود ماست . منتهی با این تفاوت اساسی که همه این رفقا ضعفها را بعنوان نقاط قوت و

بسیار کمزنگتر از آنچه وجود دارد و بازدارنده هستند و در آینده ما را به بن بست میکشانند نشان میدهند ، ولی ما برعکس همه این رفقا در صدد سرپوش گذاردن بر آنها برنیامده بلکه میکوشیم حتی المقدور ریشه ها و اشرا ت مخرب این انحرافات را تجزیه و تحلیل کنیم . اما علیرغم اینکه قصد نداریم با هیچیک از رفقا به پلیمیک پردازیم کاملا بجا میدانیم که در همینجا یک نکته را برای رفقای پیکار روشن کنیم . این رفقا بعد از ارزیابی کاملا مثبتی که در شماره ۹۴ ارگان خود از تظاهرات ۲۲ بهمن بعمل آوردند (این ارزیابی مثبت در محتوای مقاله خوابیده است) در خاتمه یادآور شدند :

" این راهپیمایی ... نکات مثبت و منفی متعددی در برداشت که باید با دید انتقبادی و در جهت استفاده از تجارب آن برای بالا بردن کیفیت مبارزاتی بآنها برخورد کرد . امری که در فرصت مناسب بآن خواهیم پرداخت "

بنظر ما این شیوه برخورد با مسائل دقیقاً سرپوش گذاردن آگاهانه بر انتقادات است و برای همین گفته میشود خودفریبی است . اگر نکات منفی هم داشت پس چرا تحلیل نمیکند و تحلیل آنرا تعلیق بحال مینمایند ؟ اگر نکات مثبت و منفی داشت پس چرا در همین شماره پیکار فقط نکات " مثبت " را میگویند و از تحلیل نکات منفی سر باز میزنند . بنظر ما این تظاهرات نکات مثبت نداشت بلکه برعکس جلوه گاه انحرافات و تجلی ضعفهای جنبش کمونیستی بود و نوشته تهیجی شما هیچ دردی را برای نسل آگاه و جورما حل نخواهد کرد . شما در نشریه تئوریک شماره ۲ خود بحریان " آشتی طلبی " درون سازمان که سد راه مبارزه ایدئولوژیک میشد انتقاد کردید . ما نمیخواهیم بگوئیم که این انتقادات قلابی است چون هنوز با اندازه کافی برایمان روشن نیست ولی میخواهیم بگوئیم اتفاقا این نوشته شما در پیکار شماره ۹۴ روح کامل همان آشتی طلبی برای سد کردن مبارزه ایدئولوژیک بیرونی و درونی است . این مقاله روح همان جریان بقول خودتان " اپورتونیستی " آشتی طلبی است که فردا اگر ارزیابی دیگری غیر از ارزیابی شما از تظاهرات ۲۲ بهمن ماه را شده دادند بگوئید : ما که از اول هم گفته بودیم این تظاهرات " نکات منفی متعددی در برداشت " !

و بالاخره اگر در گذشته بصرف همین عملیات چریکی سروصدا دار و انعکاس در اذهان مردم و همینقدر که مردم بدانند یک سازمان انقلابی ضربتی بر رژیم وارد آورده و اسم سازمانی انقلابی بمیان مردم برود باین نتیجه میرسیدیم که :

" ... در شرایطی که مارکسیست - لنینیستها هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی نیروی مهم و تعیین کننده ای را در جنبش انقلابی تشکیل میدهند ... "

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم !

روحیه مبارزه و مقاومت را در همگی برمیآنگیزد" (لنین آوانتوریسم انقلابی)
بیل در ارزیابی از بحران "سلطنتی" دهه ۱۸۶۰ در پروس گفت:

"... هرکسی برای تغییر و دگرگونی غوغا برآه انداخته بود. ولی از آنجائی که هیچ رهبری کاملاً آگاهی بادیید روشن و واضح نسبت به هدف و نیز برخورد ار از اعتماد کارگران وجود نداشت و چون هیچ تشکیلات مستحکمی که بتواند نیروها را بدور هم جمع کند وجود نداشت این رفتار و خواسته‌هایشان کم کم رو به نقصان می‌گذاشت هرگز چنین جنبشی با آنهمه شکوه ذاتی نبوده که در آخر اینقدر به چیز پوچ و هرزی تبدیل شده باشد" (لنین فرمیسیم در جنبش سوسیال دمکراسی روسیه)

آنچه بیل در مورد بحران سال ۱۸۶۰ پروس گفت یکبار در ایران بوقوع پیوست. جنبش توده های زحمتکش ما "با آنهمه شکوه ذاتی" با آن غلیبان عظیم آتشفشان توده ای کم نظیر بدلیل نبودن "هیچ رهبری کاملاً آگاهی بادیید روشن و واضح نسبت به هدف و ... چنان به چیز پوچ و هرزی تبدیل شد که مظهر مضحکه تاریخ بشر در دوران اخیر شد. و اکنون اگر نمیخواهیم یکبار دیگر و برای چندمین بار انقلاب ایران را به مضحکه تاریخ تبدیل کنیم. اگر نمیخواهیم اینهمه شور و شوق و جانبازی و جسارت نیروهای کمونیستی فروکش نکنند، (چیزی که در صورت عدم غلبه به انحرافاتمان شاهد آن خواهیم بود) باید یک قدم از بوجود آمدن رهبری آگاه کمونیستی عفلت نکنیم. نیروی ویژه ای را صرف کارهای شوریک برای درک مارکسیسم و بخصوص شناختن از تحولات جهان سرمایه داری در سالهای اخیر و به تبع آن تحلیل مشخص از سیستم سرمایه داری وابسته و ابهامات استراتژیک بکاریم باید عملاً نشان دهیم که بوظائف کمونیستی خود در آمیزش سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با طبقه و رهبری و پرورش آن شایسته ایم. باید ضعفها و انحرافات خود را ببینیم و پای تحلیل و اصلاح آنان بنشینیم و نه اینکه به توجیه انحرافات بپردازیم. مارکس درجائی گفته رهبر کسی نیست که اشتباه نکند ولی رهبر کسی است که باید بتواند قبل از آنکه اشتباهاتش بفاجعه تبدیل شود جلوی آنرا بگیرد. ما امیدواریم رفقای پیکار، رزمندگان، اقلیت این رهنمود مارکس را آویزه گوش خود کرده و قبل از فاجعه ای دیگر بدرمان جدی آن بپردازند. باید در نظر داشت که روحیه مبارزاتی و شور توده ای فقط با "بیداری بخشهای نوین توده ها بمبارزه ای مستقل" که خوشبختانه هر چه خواهیم در ایران امروز بان مشاهده میکنیم، بوجود میآید بنابراین برای اینکه نیروهای جنبش کمونیستی را بسروردگی نکشانیم به تجدید نظر در سیاستهای خود بپردازیم. باید جسارت داشت و بی محابا به ضعفهای خود برخورد کنیم، و نه آنگونه که از یکطرف بگوئیم

— بیانیه سازمان مجاهدین خلق

(بخش منشعبم - ل) - صفحه ۴۶ -

امروز هم علیرغم اینکه گفته میشود مشی دیروز بسه موزه تاریخ سپرده شده است اولاً کیفیت کارمندان مثل دوران حاکمیت مشی چریکی نه در برنامه ریزی برای روشن کردن ابهامات تشوریک جنبش و صرفاً انرژی در این عرصه بسیار حیاتی که بدست فراموشی سپرده شده، نه در "وظیفه کمک بتوده های بی‌خاسته، برای اینکه آنها جورتر و مصمتر برخیزند، از وظیفه تحویل دادن نه دو، بلکه دهها سخنور و رهبران از وظیفه بوجود آوردن یک سازمان واقعاً مبارز که قادر به هدایت توده ها باشد و نه باصطلاح "سازمان مبارزی" که فقط تک روان نایاب را هدایت میکنند (اگر بکنند) - رویدادهای نو و مسائل کهنه - بلکه بدین وسیله محک میخورد که چقدر اسم سازمان ما بمیان مردم برود چقدر اسم سازمان ما جای سازمان رویزیونیستهای فدائی را بگیرد، چقدر "پرچم سرخ رزم کارگران" و یا پلاکارد گروهی - کاری که ما انجام دادیم - در خدمت منافع سازمانی و یا گروهی ما باشد. و بدین ترتیب هدف منافع سازمانی یا گروهی، پرچم در خدمت تشکیلات و نه تشکیلات در خدمت پرچم و هدف.

ثانیا رشد کمی ما هم نه در مادیت بخشیدن به مشی و برنامه خود در میان کارگران و سایر زحمتکشان بلکه درست مثل حاکمیت مشی چریکی جنبش دانشجویان، دانش آموزان و روشنفکران و حتی عناصر بسیار محدود پیشروان طبقه بدرون سازمان خود است.

نکته دیگری که باید در رابطه با همین تظاهرات مورد توجه قرار گیرد. رها شدن اعضاء و هواداران جنبش کمونیستی به صحنه نبرد و عدم احساس مسئولیت نسبت بوجود آنان که همه چیز جنبش وابسته بدانان است، همچنین قبول تحقیر بدون دلیل نسبت بان.

درست است که جنبش کمونیستی ما از نظر سنست فداکاری و بی‌باکی و قهرمانی که اولین شرط هر حرکتی بجلوست سنگ تمام گذاشته بود و گذاشته است، ولی رها کردن اعضاء و هواداران خود در اینگونه تظاهرات باعث تنزل روحیه مبارزاتی، دلسردی و انفعالی آنان خواهد گردید. بالاخره هر نیروی کمونیستی که قدم در میدان اینگونه تظاهرات مینهد، با توجه بحقیانیتی که برای خود قائل و با توجه به سرکوب دائمی ارتجاع و توهینها و تحقیرهای دسته های اوباش و ناتوانی اش در پاسخگوئی بدان تاثیرات منفی در روحیه اش خواهد گذاشت. ما نباید وقتی نیروی مقابله باندازه کافی نداریم و سرانجام شکست تاکتیک تظاهرات علنی مان روشن است، دست به تاکتیک تظاهرات علنی بزنیم، چاره کار بطور اساسی در اجتناب از اتخاذ اینگونه تاکتیکهای آنارشیستی و در خدمت طبقه و توده ها قرار گرفتن میباشد زیرا "فقط انواع نوین جنبش و یا بیداری بخشهای نوین توده ها بمبارزه ای مستقل است که واقعا

با لغو... بقیه از صفحه ۱

به قیام یعنی حکام جمهوری اسلامی وحشیانه تر از قبل آنها پایمال میسازند. در ۲ سال گذشته رژیم کنونی به انحاء و اشکال مختلف دشمنی آشکار خود را با کارگران و زحمتکشان با سرکوب و کشتار تظاهراتهای بیکارگان، اعتصابات کارگری، مبارزات خلقها و... موضوع نشان داده است. اما این دشمنی تنها به همین جا خاتمه نمی یابد و جمهوری اسلامی با تصویب قوانین ضد خلقی خود به تمامی این خیانتها و جنایتها جنبه قانونی نیز میدهد. تصویب قوانینی از قبیل "ولایت فقیه"، ممنوعیت انتشار نشریات انقلابی و کمونیستی غیرقانونی بودن اعتصاب و تظاهرات و... همگی نمونه هایی هستند از دستاویزهای "قانونی" رژیم برای سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم. جالب اینجاست که جمهوری اسلامی وقاحت و بیشرمی را تا بدانجا میرساند که تمامی این اعمال را تحت لوای مبارزه "ضد امپریالیستی"، مبارزه با "ضد انقلاب"، و عوامل "طاغوت"، انجام میدهد و با درعین مدافعات و حمایتهای آشکار و عیان از سرمایه داران و ملاکین، این اعمال خود را در جهت منافع "مستضعفین" میخواند!!

لغو قانون ضد کارگری "سود ویژه" نیز از جمله تمامی مواردی است که تاکنون برشمرديم. لغو یک قانون ضد کارگری، تحت لوای دفاع از کارگران ولی در واقع به مراتب ضد کارگری تر، اینست کاری که جمهوری اسلامی انجام داده است. اما برای آنکه بفهمیم حقیقت قضیه چیست و اینکه آیا لغو این قانون در جهت تامین منافع کارگران انجام گرفته است یا خیر، اول باید ببینیم که اصولاً چرا قانون سود ویژه قانونی ضد کارگری و آریا مهری بوده است و رژیم پهلوی از تصویب این قانون چه اهدافی را دنبال مینمود و بعد از این روشن میسازیم که با این تفاهل لغو این قانون از جانب رژیم کنونی "گامی بجلو" برای تامین منافع طبقه کارگر بوده است و یا حتی روی "طاغوت" را هم سفید کرده و "امتیازاتی" که تحت فشار مبارزات کارگران، رژیم سابق از دست داده بود دوباره بازپس میگیرد.

چرا "قانون سود ویژه" قانونی ضد کارگری و جزئی از سیاستهای استثمارگرانه سرمایه داران است؟ این قانون که اساساً از زمان "ضد انقلاب سفید" در سال ۱۳۴۱ تحت لوای "سهم کردن کارگران در سود کارخانهجات" به تصویب رسید تا مبنای دوهدف اصلی را در دستور خود قرارداد. الف: اهداف اقتصادی، یعنی تولید هر چه بیشتر سود. و ب: اهداف سیاسی، یعنی دستاویزی برای تخدیر و سرکوب مبارزات کارگری. حال به بررسی جداگانه هر یک از این دو هدف که بلامتوجه میتوان آنها را دوروی یک سکه نامید میپردازیم:

الف: اهداف اقتصادی:

رژیم پهلوی مدافع سرمایه داران برای آنکه هرچه بیشتر بر استثمار کارگران بیفزاید در کنار پانزده نگر داشتن سطح دستمزدها و دهها سیاست دیگر، برای

"باید از درکهای آنارشیستی که اعتلاء انقلابی را بحساب موقعیت انقلابی گذارده، و در نتیجه به تعرضهای جدا از توده و فراتر از توده منجر میگردد کاملاً احتراز چیست" بیکار تئوریک ۲ صفحه ۲۳ تاکید از ماست)

و از طرف دیگر با چنان برجستگی ای در مقابل چشمان خود ناظر و شاهد مستقیم "تعرضهای جدا از توده" و "آنارشیستی" بود که فغان از دل از آن کمونیستها برآورد و از طرف دیگر در صدد سرپوش گذاردن آگاهانه به همان "تعرضهای جدا از توده" و "آنارشیستی" تحت عنوان اقدام "مثبت" و تظاهرات زیر پرچم سرخ رژیم کارگران و... برآمد. چرا که ما کمونیستها باید مفهوم "جدا از توده" را در حلقه اول جدا از طبقه کارگر بفهمیم. حال خود رفقای بیکار پاسخ دهند که در تظاهرات ۲۳ دیماه - ۱۷ و ۲۲ بهمن ماه عمدتاً کارگران دعوت ما را پاسخ گفتند یا روشن فکران و چ... را؟

(۱) جنبش کمونیستی بدون استثناء، اعم از سازمانهای بیکار و رزمندگان که برگزار کننده آن بودند و یا گروه ما که خود دعوت کننده این مراسم بود و یا گروهی که "پشتیبانی" خود را از این تظاهرات بعمل آورد و یا دیگران که بی تفاوت بودند. درعین حال نباید از نظر دور داشت که بعضی از انتقادات مختص کمیته برگزار کننده یعنی سازمانهای بیکار و رزمندگان است.

(۲) هر جا صحبت از کمونیستهای راستین یا واقعی میکنیم منظورمان کمونیستهایی هستند که اهدافاید-تولوزیکشان ساقط نمودن تمامی دشمنان داخلی و خارجی کارگران و زحمتکشان میباشد. یعنی ساقط کردن تمامی جناحهای هیئت حاکمه ضد خلقی ایران و تمامی امپریالیستهاست. اعم از امپریالیستهای آمریکایی و شوروی انگلیسی و فرانسوی و... امروز اساس و ستون فقرات جنبش کمونیستی ایران بوسیله همین نیروها تشکیل می شود و نیروهایی مثل اقلیت در واقع نیروی کمونیستی هستند که بین بخش راستین جنبش کمونیستی و قطب رویز-یونیسف مدرن قرار دارند.

(۳) انحرافات را که در اینجا برای تظاهرات کمونیستها در روز ۲۲ بهمن میسازیم کاملاً قابل تعمیم میباشد. تظاهرات ۲۳ دیماه و ۱۷ بهمن هر یکهای فدایی اقلیت میباشد. در واقع انحرافات که در اینجا روی آن انگشت گذاشته میشود، انحرافات حاکم بر جنبش کمونیستی است که در تظاهرات ۲۳ دیماه، ۱۷ و ۲۲ - بهمن ماه خود را بروز داد. و ما برعکس رفقای بیکار، رزمندگان و اقلیت که هر یک به درجائی در صدد تطهیر انحرافات جنبش کمونیستی و عدم درک انحرافات فاجعه انگیز جنبش هستند، معتقدیم که این تظاهرات تنها نشان از "موفقیتهای بزرگ" ندارد بلکه بیشتر و بیشتر ضعفهای عمیق ما را نشان میدهند.

متعلق به خودشان است!! را به کارگران " صدقه " می دهند این از نظر سرمایه داران بهترین وسیله ای بود که با آن میتوانستند در میان کارگران " محبوبیت " و پا - یگاهی بدست آورند! از طرف دیگر قانون سود ویژه که با پائین نگاه داشتن سطح دستمزدها توأم بود باعث میشد که در صورت اعتراضات و اعتصابات کارگری، اضافه شدن دستمزدها ضربه زیادی به تولید ارزش اضافی و سود وارد نسازد، بدین ترتیب که با اضافه شدن دستمزدها فوراً به کسر پاداش و سود ویژه و غیره میپرداختند - و در واقع سود خود را از یک جیب درآورده و به جیب دیگر می گذاشتند.

اما مسئله مهمتر در این قسمت این بود که افزایش تولید که مترادف افزایش عواید آخر سال کار - گران بود، خود به سد مهمی تبدیل میشد که کارگران ناآگاه را از " اخلاص در تولید " - بصورت اعتصاب یا غیره - بازدارد و میان کارگران پیشرو و کارگران ناآگاه دودستگی و فاصله ایجاد شود. از سوی دیگر سرمایه داران با این " الطاف " خود باعث میشدند که کارگران ناآگاه بجای مبارزه در راه احقاق حقوق حقه خود از لحاظ ذهنی و روحی همواره به " صدقه " ها و " الطاف " پدران " سرمایه دار خود چشم بدوزند. پس قانون سود ویژه در کنار تأمین منافع اقتصادی برای سرمایه داران، عاملی بود برای ایجاد تفرقه و جدایی در میان صفوف طبقه کارگر و عقب نگاه داشتن آگاهیه های سیاسی کارگران.

* * *

" انقلاب " شد و رژیم جمهوری اسلامی قدرت سیاسی را در دست گرفت. کارگران ایران که در کنار سایر زحمتکشان در جمهوری اسلامی بهشت روی زمین خود را ترسیم میکردند، کم کم با عملکردهای ضد خلقی این رژیم در می یافتند که جمهوری اسلامی نخبه " بهشت " آنان نیست، بلکه جهنمی است سوزان و سیاه تر از رژیم پهلوی. باز هم کسانی که قدرت را در چنگال خود فصب کردند بهشتی ساختند از برای ظالمین و استثمارگران و جهنمی برای کارگران و زحمتکشان.

" قانون سود ویژه " نیز همچون دهها و صدها قانون ضد کارگری ضد خلقی دیگر نخبه ها به نفع کارگر - ان تغییر نیافت - و بخاطر ماهیت طبقاتی جمهوری اسلامی نمیتوانست بیابد! - بلکه با لغو این قانون و از طرف دیگر ثابت نگاه داشتن مزد کارگران، لغو سود ویژه را به قانونی ضد کارگری به قوه ۲ تبدیل ساخت! رژیم جمهوری اسلامی که خلق کرد را سرکوب و کشتار میکند برای " منفعت " خلق کرد!! دهقانان خورستان و ترکمن صحرا و کاخک و... را کشتار میکند برای " منفعت " دهقانان!! کارگران بیکار و شاغل را به گلوله میبندد برای " منفعت " کارگران!! اینبار نیز قانون " سود ویژه " را لغو کرد بر " علیه " سرمایه دار و بنفع کارگران!! خوب این هم ادعایی است و بقول آقای وزیر کار: " با لغو سود ویژه برخلاف تصور کارگران بنفع سرمایه داران عمل نشده است!! "

آنکه کارگران را به تولید هر چه بیشتر ترغیب کند و بدین ترتیب سود سرشار واحدهای صنعتی و تولیدی را دو چندان سازد، بشکلی حیل گرانه اینگونه وانمود ساخت که تولید بیشتر گامیست برای تأمین منافع کارگر - ان بدست خود آنان! به این صورت که با سهیم شدن کار - گران در سود کارخانجات، کارگران مجبور باشند در طول سال نهایت سعی خود را بکارگیرند تا در آخر سال سود کارخانجات را بحدی برسانند که " سود ویژه " بیشتری غایبشان شود. بدین ترتیب " سود ویژه " خود ستاویزی بود که حقوق کارگران تا حد ممکن در سطوح پایینتری ثابت بماند و با اصطلاح این کمبود حقوق را " سود ویژه " پرداختی به کارگران جبران کند! اما روشن است که این " سود ویژه " ای که در آخر هر سال به کارگران پرداخت میشد، نه تنها جزء ناچیزی از حقوق واقعی کارگران بود که در طول سال از آنان کسر شده و بر - داخت نمیشد، بلکه با این حیل همانطور که گفتیم با افزایش سطح تولید، که در نظام سرمایه داری مترادف افزایش سود سرمایه داران است، این سود را تا سرحدی افزایش میدادند که با کسر " سود ویژه " ای که به کارگران " صدقه " میدادند در واقع هیچ چیز نیز از اصل سود تولیدی کارخانه از دست سرمایه داران خارج نشود. از طرف دیگر سرشکن کردن حقوق کارگران به صورت یک حقوق ماهیانه (یا روزانه) و یک پاداش و عیدی و سود ویژه باعث میشد که دست سرمایه داران در خوردن همان حقوق ناچیزی که با اصطلاح قوانین ضد کارگری کاردر جامعه تصویب کرده بود بازتر شود. بدین صورت که هر گاه اراده کند بتواند با بیهانه های مختلف از قبیل کمبود تولید یا نبود مواد خام و... از پاداش کارگران کم کند بدون آنکه در ظاهر به حقوق پایه ای آنها ذره ای لطمه خورده باشد (به همین خاطر سرمایه داران هیچگاه حق سختی کار و حق تخصصی و نظائر اینها را در حقوق پایه ای کارگران داخل نمی - کردند و بصورت پاداشهای جداگانه به آنها پرداخت می نمودند) در کنار این مسئله، مسائل فرعی دیگری از قبیل رفع موانع مالیاتی، بیمه های اجتماعی و غیره نیز وجود داشتند که با این کار یعنی جدا کردن حقوق پایه ای کارگران از مزایا و پاداش در پرداخت مالیات و بیمه نیز سرمایه داران ضرر کمتری را متحمل میشدند.

ب: اهداف سیاسی:

قدر مسلم اینست که سرمایه داران تا آنجایی که میتوان - ندند سعی دارند که حقوق کارگران را در سطوح پائین - تری قرار دهند، اما بارها اتفاق می افتد که با جنبش های وسیع کارگری بصورت اعتصابات و تظاهرات مواجه میگردند و در این بین مجبورند که به از دست دادن امتیازاتی از قبیل بالا بردن سطح دستمزدها و پاداشها تن دهند. سرمایه داران با تصویب قانون سود ویژه در واقع قصد داشتند که به کارگران اینطور وانمود سازند که سرمایه داران آنقدر انسانهای " خیر " و " نیکوکاری " هستند که هر ساله قسمتی از سودی که

مایه داران باز هم فرصت بیشتری برای به پغما بردن حقوق کارگران فراهم نموده اند .

اما اگر باز هم جای شک و شبهه ای باقی مانده است که آیا این قانون جدید که در ازای قانون سود ویژه بتصویب رسیده است بمنفع کارگران است یا سرما به داران ، یکبار دیگر از سخنگویان رژیم " یاری " میطلبیم تا اهداف قانون جدید را برایمان روشنتر سازند . یک مقام " بلند پایه " (! !) وزارت کار در توضیح اهداف این لایحه میگوید :

" این مصوبه بخاطر نجات کارخانجات و کارگاه های کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است . اگر اینکار نمیشد سود ویژه پرداختی به کارگران تخفیف پیدا نمیکرد و بیم آن میرفت که کارفرمایان نتوانند از عهده پرداخت وجوه لازم خود برآیند . " ! !

(جمهوری اسلامی ۲۰ مرداد ۵۹)

از این مقام " بلند پایه " وزارت کار باید کمال تشکر را داشت که حداقل کارگران زحمتکش ما را از توهم بیهوده خود بیرون آوردند !! چرا که ایشان صریحا اعلام داشته اند که : ۱ - قانون جدید برای تخفیف

دادن سود ویژه پرداختی به کارگران ، یعنی عدم پرداخت حقوق کارگران و آنهم بخش ناچیزی از آن که بصورت سود ویژه بدست آنان باز میگشت ، تنظیم شده است . ۲ - هدف از این مصوبه " نجات " کارخانجات از خطر رکود بیشتر است (که در حقیقت رکود در سوددهی به سرمایه داران منظور است) چرا که " بیم آن میرفت که کارفرمایان نتوانند از عهده پرداخت وجوه لازم (که همان دسترنج کارگران است) خود برآیند " میبینید چه دایه های مهربانتر از مادری یافت میشوند ! جمهوری اسلامی بیم آن را بدل راه نمیدهد که کارفرمایان از عهده

پرداخت " وجوه لازم " برنمایند ، اما در این حال برایشان مسئله ای نیست که در صورت عدم پرداخت این وجوه چه برسر کارگران میآید ؟ حال با این اوصاف چگونه این مقام " بلند پایه " (که حتی از ذکر نام خود نیز شرم داشته است) خود را نماینده وزارت کار نیز میداند جای بسی شگفتی و اعجاب است !!

اما مقامات رسمی جمهوری اسلامی باز هم برای پوشاندن ماهیت واقعی طرح خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند . وزارت کار و شورای انقلاب تصویب این قانون را در ۲ بند اینگونه تفسیر میکنند :

۱ - قانون قبلی طاغوتی بود .

۲ - لایحه شورای انقلاب لایحه ای است در جهت تامین منافع کارگران .

۳ - اقتصاد ما دچار کسری بودجه و محاصره اقتصادی است .

بله هر کس در ادعا کردن آزاد است ، اما " مشک آنست که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید " ! ببینیم علی رغم ادعای دروغین هیأت حاکمه ، با لفو " سود ویژه " چگونه بر " علیه " سرمایه داران و به " نفع " کارگران عمل شده است ؟

لایحه لفو سود ویژه که اولین بار در ۲ مرداد ۵۹ توسط شورای انقلاب اعلام شد چنین میگوید :

۱ - از تاریخ ۵۹/۹/۱ قانون سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی (مصوب به ۱۳۲۱) و کلیه ملحقات و منضمات آن و جداول و پیمانهای دسته جمعی و توصیه نامه های ناشی از قانون مزبور لفو و بلا اثر اعلام میگردد .

خوب تاکنون روشن نیست که لفو این قانون از چه مو ضعی صورت گرفته است ، آیا این قانون برای منافع کارگران لفو شده است یا برای منافع سرمایه داران ؟ باز هم بهتر است قبل از آنکه قضاوت کنیم ببینیم که " شورای ضد انقلاب " با لفو این قانون چه چیزی را جایگزین آن ساخته است ؟

۲ - کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون ملغی شده مذکور مکلفند برای جبران عواید کارکنان خود کلا از بابت حق السهم ناشی از اجرای قانون مذکور و نیز عیدی و پاداش سالانه معادل ۶۰ روز آخرین دستمزد برای ۱۲ ماه کار در سال بهر یک از کارکنان خود پرداخت نمایند .

گذشته از آنکه این قانون جدید همچون تمامی قوانین بورژوازی اسلوب دوپهلویی و مبهم گویی را پیش گرفته است ، اما از پس این غبار ابهام بخوبی اهداف واقعی این قانون روشن است . اولاً : عایدی کارکنان کارخانجات با قانون " طاغوتی " سود ویژه با عیدی و پاداش به مبلغی معادل ۴ ماه حقوق بالغ میگشت که " شورای انقلاب " برای جبران این عایدی به ۶۰ روز حقوق قناعت کرده است ! ثانیاً : با ذکر جمله " برای ۱۲ ماه کار در سال " راه هرگونه تعبیری را برای سرمایه داران باز میگذازد . هر سرمایه داری میتواند بجای ۶۰ روز حقوق به ۴۵ یا حتی ۳۰ روز " عیدی " و " پاداش " قناعت کند ، آنهم با بهانه هایی نظیر تعطیلی روزهای جمعه ! مرخصی سالانه ! مرخصی استعلاجی و ... که همگی دستاویزی برای کارفرمایان میباشد . تا به کارگران بگویند : " ۶۰ روز " پاداش " برای ۱۲ ماه کار در سال است اما شما با مرخصی و ... در مجموع ۱۱ ماه یا کمتر کار کرده اید و ۶۰ روز بشمارا تعلق نمیکبرد " !! این راه تجدید نظری است که " شو - رای انقلاب " برای سرمایه داران باز گذاشته است . پس روشن است که علیرغم این کسر عواید کارگران توسط شورای " انقلاب " این حامیان سرمایه داران به اینجا نیز قناعت نکرده اند و با مبهم گوییهای خود برای سر -

جنگ قحطی، گرانی، ارمغان جمهوری اسلامی

بمنفع سرمایه دار، علیه زحمتکشان



۴ - لایحه فوق برای حمایت از صاحبان صنایع و افزایش بهره‌وری تولید به تصویب رسیده است. در مورد بند ۱ که طبقاً بحثی نمیتواند درگیر باشد و این مسئله را ما در آغاز مقاله مختصراً مورد ارزیابی قرار دادیم. اما نکته قابل تعمق اینست که جمهوری اسلامی چه چیزی را جایگزین این قانون "طاغوتی" نموده است؟! که اینرا نیز در قبل توضیح دادیم و دیدیم هم که قانون جدید حتی یک قدم نیز از قانون قبلی به عقب برداشته است.

بند ۲ نیز تکرار مکررات عوامفریبانه جمهوری اسلامی است. اما وقتی بند ۲ در کنار بند ۴ قرار می‌دهیم کم‌دی جمهوری اسلامی حاصل میگردد! این لایحه هم "در جهت تأمین منافع کارگران" است و هم برای "حمایت از صاحبان صنایع"!! چگونه میتوان قانونی ابداع کرد که هم منفعت غارتگر را حفظ کند و هم منافع غارت‌شده را تأمین نماید؟ چگونه میتوان قانونی را تصور کرد که هم برای حمایت از استثمارگر باشد و هم استثمار شونده؟ لایحه شورای "انقلاب" بزبان خودش اینچنین قانونی است! اما اینگونه قوانین ما را بیاد آب خوردن گرگ و میش از یک جویبار می‌اندازد! در این داستان نیز بظاهر جویباری (که همان لایحه‌هایی همچون این لایحه باشد) وجود دارد که هم گرگ از آن آب مینوشد و هم میش. و همانطور که در آن داستان نیز این آب خوردنها نقشه‌گرگ برای بلعیدن میش بود. در اینجا نیز این لایحه و تمامی لواحقانی از این قبیل هیچ چیز نیستند مگر حیل سرمایه‌داران برای گمراه ساختن کارگران و استثمار هرچه بیشتر آنان.

پس علیرغم اینکه شورای انقلاب و وزارت کار فرما معتقدند که لایحه "انقلابی" شان هم منفعت سرمایه‌داران است و هم منفعت کارگران، اما بعضی‌کنار رفتن پرده‌های عوامفریبی هایشان روشن میشود که چگونه این قانون منفعت سرمایه‌داران است. و اما بند ۳ باز هم بیان یک واقعیت است که کمونیستها ماهیست به تبلیغ آن مشغولند و آن اینکه: این کارگران و زحمت‌کشان میهن ما هستند که باید بار سنگین بحران را بر دوش بکشند. بند ۳ میگوید که حذف سود ویژه بخاطر آنست که اقتصاد ما دچار رکود بوده و چون ما محاصره اقتصادی هستیم باید از عواید کارگران کسر کنیم تا سرمایه‌داران در آسایش و راحتی بیشتری بسر ببرند دولت جمهوری اسلامی که خائنانه خود را دولت "مستضعفین" میخواند، کسری بودجه خود را از دسترنج و خون کارگر - آن تأمین میسازد و "محاصره اقتصادی" (که البته بهانه‌ای بیش نبوده است) را با غارت حقوق کارگران درهم میکشد. روشن است که این منطق هر رژیم سرمایه‌داری است که بار سنگین بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد و بدین طریق اجازه ندهد که سرمایه‌داران غریب‌شان چه در بازار و چه در کارخانجات ذره‌ای متحمل ضرر و زیانی شوند.

تمامی کمونیستهای راستین بارها و بارها گفتند که جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی هدفی جز ترمیم

و بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته ندارد و راهی را که برای اینکار برگزیده است. انتقال بحران برگزیده زحمتکشان میباشد. این ادعای کمونیستها بخوبی در تمامی بندهای لایحه جدید سود ویژه چشم میخورد. از هدف "افزایش بهره‌وری تولید" گرفته تا جبران کسری بودجه بوسیله لغو سود ویژه. از "نجات کارخانجات از خطر رکود بیشتر گرفته" تا شکستن "محاصره اقتصادی" بوسیله لغو سود ویژه و ... آری، اگر اقتصاد رکود دارد، اگر بودجه سرمایه‌داران کسری دارد، اگر محاصره اقتصادی است، اگر ... و بالاخره امروز اگر جنگ است تاوان همه اینها را باید کارگران بپردازند! این منطق سرمایه‌داری است.

ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۱

نمیکند، برای همیشه حساب خودش را از این حزب جدا خواهد کرد" (مجاهد ۱۵۹)

شوروی کیست که مجاهدین چنین او را از حزب توده خائن جدا میکنند تا بدانجائی که مسئولیت بدنام کردن آنرا به گردن حزب توده دانسته و

شوروی امپریالیستی است که متأسفانه در جنبش انقلابی دمکرات و انقلابی کمونیستی میهن ما کسم بدان پرداخته شده است و علیرغم موضعگیری برخی از نیروهای جنبش کمونیستی در مقابل آن امپریا - لیسم شوروی همچنان در سطح جنبش توده ای و انقلابی ایران از تعرض یک مبارزه همه جانبه و پیگیر درامان مانده است و بنا به جهت نفوذ ایدئولوژیک رویزیون - لیسم روسی در ایران از خطرات جدی در مقابل انقلاب ایران بوده و میباشد و بویژه امروز، پس از دو سال که از قیام ۲۲ بهمن میگذرد، در مقابل واقعتهای تاسف‌بار خیانت بخشی از چریکها رشد گرایشات شدید رویزیونیستی در صفوف جنبش کمونیستی که حتی گاه به انشعاب برخی از سازمانها و گروههای این جنبش نیز کشیده است، عدم تحلیل عمیق رویزیونیسم از نقطه نظر فلسفی، اقتصادی، سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی وجود برخی رگه‌های ناشناخته رویزیونیستی در نظریات نیروهای این جنبش و ... قرار دارد و اینها همه خطرات شوروی و رویزیونیسم را در تمام اشکال آن (رو یزیونیسم به جهانی و بویژه روسی) هر چه بیشتر بهما نشان میدهد خطراتی که دورنمای انحراف و انهدام جنبش و وابستگی به قدرت امپریالیستی دیگری را در مقابلمان مینهد! بنا به دلایل فوق و هزاران دلیل دیگر است که تاکید بر افشای همه جانبه سوسیال امپریا لیسم شوروی و رویزیونیسم در تمام ابعاد آن و اقدام در این جهت نیازی حیاتی است!

جملات یاد شده از مجاهد ۱۵۹ یکبار دیگر خطرات عظیم شوروی را به وضوح نشان میدهد تا بدانجائی که سازمان مجاهدین به مثابه جریان خرد بورژوازی که وسیعترین پایه را در میان توده های خلق ما دارند از چنین تزلزل عمیقی نسبت به شوروی برخوردار -



تونیمتها نیز دقیقا به خاطر نا پیگیری، انحرا-
فات و سطحی نگری های عوامفریبانه ای است که
ریشه کنی امپریالیستها و استعمارگران خلقها
را به تاخیر میاندازد. پس بحث ما بر سر
اپورتونیزم سنتی ریشه داری است که در سراسر
تاروپود این حزب "شرطی" شده است" (مجاهد
۱۰۹)

مرفنظر از اینکه مجاهدین آنقدر خود مرکزبین هستند
که امپریالیسم را نه در مقابل توده ها و دشمن
توده ها بلکه دشمن مجاهدین ارزیابی میکنند و همواره
از کانال مجاهدین به دنیا نگاه میکنند، و مرفنظر
از دید مجاهدین نسبت به مسئله رفرمیزم که در بررسی
دقیقتر نظرات مجاهدین نسبت به حزب توده بدان نیز
خواهیم پرداخت و بلاشک نمیتواند جدا از دید رفرمیستی
و سازشکارانه خود مجاهدین باشد، مجاهدین حزب
توده را در جبهه انقلاب و تنها یک نیروی رفرمیست
و اپورتونیزم - با همان درک گذار مجاهدین از آن -
ارزیابی میکنند که خواست مبارزه با امپریالیسم
را دارد اصولا علیه امپریالیسم هم مبارزه میکند
ولی دچار "سطحی گراشی" است، "ناپیگیری"
است و قس علیهذا، البته مجاهدین نزدیکی و همکوشی
و اتحاد حزب توده را با حزب جمهوری اسلامی نه از روی
کوشش شوروی در نفوذ سیاسی در ایران و نهایتا کسب
سلطه سیاسی بلکه صرفا این رابطه را از این نظر
که حزب جمهوری اسلامی در نزدیکی با امپریالیسم
است مورد انتقاد قرار داده و آنرا ناشی از سطحی
گراشی و رفرمیزم حزب توده ارزیابی میکنند - امریکه
حتی در همین حد سطحی قادر نیستند در رابطه با اتحاد

خودشان با بورژوازی لیبرال مشاهده نمایند - مجاهد-
ین قادر به درک این مطلب نیستند که تضاد حزب توده
با امپریالیسم آمریکا بدلیل ماهیت ضد امپریالیستی
آنها نبوده بلکه صرفا بیانگر تضاد بین منافع
اتحاد سیاسی سرمایه های وابسته به امپریالیستهای
گوناگون و در اینجا امپریالیسم شوروی و امپریالیسم
آمریکا است. مجاهدین قادر به درک این امر نیستند
که اگر حزب توده زمانی رژیم شاه و انقلاب سفیدش
را تقدیس میکند، زمانی سعی در نزدیکی به دولت
بازرگان دارد و زمانی دیگر در کنار حزب جمهوری بر
"لیبرالها" میازد، همگی به یک راستا و دقیقا بر
اساس تامین منافع اقتصادی سیاسی سرمایه های
انحصارات دولتی امپریالیستی شوروی است! بنابراین
این حزب توده نیست که "شوروی را بدنام" میکند
بلکه دقیقا منافع امپریالیسم شوروی است که ایجاب
مینماید شوروی و حزب توده و تمامی رویزیونیستهای
وابسته بدان منظور توده های انقلابی گردند که البته
این بدنامی و نفرت تامین نمیکرد مگر به همت مبار-
زات افشاگرانه و ایدئولوژیک جدی علیه آن.

دارند. ما سابق براین نوشتیم که سازشکاریهای مجا-
هدين تنها در مقابل بورژوازی "لیبرال" و روي-
زیونیستهای به جهانی ایران نباید در نظر گرفته شود
بلکه تزلزلات مجاهدین در مقابل جناح دیگر هیستانت
حاکمه، یعنی حزب جمهوری و حزب توده و شرکا، در نظر
گرفته شود، مجاهدین در بطن خود همواره خطر چرخش
با این جناح و همکاری با رویزیونیستهای حزب توده ای را
دارد. مجاهدین که در تحلیل های خود شوروی را مرکز
یک قدرت امپریالیستی ارزیابی نکرده و حتی آنرا
انقلابی نیز میدانند، مجاهدین که در برخورد های
گذشته خود نشان دادیم چگونه از رویزیونیسم در تمامی
تحلیل های اقتصادی - سیاسی خود بهره وری میکنند
و... از آن چنان تزلزل عمیقی برخوردارند که دورنمای
خطرات جدی را در مقابل جنبش انقلابی ایران میگذارند
بخصوص که مجاهدین خود را آنچنان محق میدانند که
اگر شوروی پی به ارزش آن ببرد احتمال دارد از حما-
یت حزب توده دست کشیده و حمایت از مجاهدین
را پیشه کنند و از نظر مجاهدین علت حملات حزب
توده به مجاهدین نیز از همین زوایه میباشد:

"اعتبار مردمی و رشد روز افزون انقلابیون
نظیر مجاهدین، بخودی خود دلیل کاملاروشنی
است برای عکس العمل هایی که گفتید و بنا بر-
این شدیدترین اعتراضات و سنگین ترین اتهامات
آغاز میشوند و از این پس هم باید آنها را بیش
از پیش انتظار کشید... ضمنا این روزها با توجه
به دلیلی که گفتیم، حزب توده حتی به لحاظ
محاسبات بین المللی بسیار خاص خودش نیز، به
چنین حملاتی شدید نیازمند است زیرا فکر میکند
که چه بسا از خیلی چشم ها بیفتد!" (مجاهد ۱۰۹
تاکید از ما است)

انعکاس تحلیل مجاهدین از شوروی به مثابه یک
یک کشور سوسیالیستی، مانع از آن است که پی آمد
حرکت یک قدرت امپریالیستی را در حرکت نیروهای
سیاسی وابسته بدان درست ارزیابی کند از این جهت
که مجاهدین اصولا قادر نیستند که حزب توده را به مثابه
مدافعین سرمایه داری وابسته به شوروی مورد ارزیابی
و برخورد قرار دهند و بنا براین در تعیین صفوف
انقلاب و ضد انقلاب حزب توده را نه در صف ضد انقلاب
بلکه در صف انقلاب، ولی با انتقاداتی نسبت بدان
قرار میدهند. از این جهت است که اساس انتقادات
مجاهدین به حزب توده چنین است.

"میدانید، دشمن مجاهدین در این مرحله تاریخی
اساسا همان امپریالیستها و ایادی رنگارنگ
آنها در هر جا و مکان و با آن سیاستهایی است
که برای آنها راه را هموار میکند. بنا براین
اعتلاف نظر و تصادمات با رفرمیستها و اپور-

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بِهانه های رژیم جمهوری اسلامی چنین است : ما
برای اسلام ~~خطب کرده ایم~~ و نه برای رفاه زندگی

مبارزات کارگران

شرکت ساختمانی خورردین در فرج زاد تهران (شمال غرب تهران) قرار دارد. صاحب آن سرمایه - داری لبنانی بنام کتانه است وی از دوستان نزدیک آیت الله کنی، چمران و یزدی است. علاوه بر این وی در شرکت جنرال الکتریک - عمران و نوسازی و صنایع دیگر سهام دار است وی وارد کننده ماشینهای سواری، گالات، داتسون، بوده و به تجارت لوازم خانگی هم اشتغال دارد. ایشان در ضمن دوستان نزدیکی نظیر الیاس سرکیس را نیز در لبنان دارد. این سرمایه - دار کثیف در ابتدای پراز قیام بطور "اشتباهی" ممنوع الخروج بوده و اموالشان هم صادره شده بود اما بملطف دوستان شفیقش رفع اتهام شد و تا کنون ۲۰ بار از ایران خارج شده و اموال توقیف شده اش نیز آزاد شده است.

ایشان هم از توبره میخورند و هم از آغ - یور یعنی هم در میان "لیبرالها" و هم در میان "مکتبی - ها" از حمایت دوستان برخوردارند. شرکت ساختمانی خورردین دوماء پیش اقدام به اخراج ۴۰۰ کارگر که اکثر کرد بودند نمود آنهم به بهانه بستن شرکت و نداشتن سرمایه و مصالح! اما شورای شرکت این بهانه ها را مردود اعلام نمود ولی ایشان با اتکاء به دوستان ذی نفوذشان موفق به اخراج کارگران میگردند. ابتدا کارگران در برابر این تصمیم دست بمقاومت زده و برای تصفیه حساب مراجعه مینمایند ولی سرانجام پراز دوماء مقاومت درحالیکه درتنگی اقتصادی بسیار شدیدی قرار گرفته بودند ناگزیر - از تصفیه حساب میشوند درحال حاضر تنها یک نفر از کارگران عضو شورا است که همچنان به مقاومت دلیرانه اش ادامه میدهد.

شرکت ساختمانی مذکور بعد از اخراج کارگران مجددا اقدام به استخدام ۸۰ کارگر با مزدی معادل ۳۰ تا ۴۰٪ کارگران اخراجی نموده است. و درواقع ماهیت چنین اخراجهای دسته جمعی را به بهانه های گوناگون نشان میدهد. نشان میدهد که سرمایه داران برای خاطر سود بیشتر و در شرایطی که درد بیکاری و بحران جامعه تا بدانجائی است که کارگران برای فرار از مرگ ناگزیر بکار در بدترین شرایط و پابین - ترین دستمزدها میباشند، بلافاصله اقدام به اخراج کارگران و استخدام کارگران با مزد کمتر مینمایند. آنچه که موجبات شکست کارگران مبارزان شرکت را فراهم آورد، اول نبود یک صندوق اعتصاب و نتیجتا فشار شدید اقتصادی به کارگران از یک طرف و از طرف دیگر نبود تشکیلات منظم در رابطه با کارگران بیکار که بتواند مبارزات کارگران شاغل و بیکار را در پیوند با یکدیگر قرار داده و به پشتیبانی از یکدیگر و

امروز خود را انقلابی و طرفدار مستضعفین نمایش میدهند؟

مردم مبارز و زحمتکش ایران! بهوش باشید این فقط خمینی نیست که میگوید اعتصاب کارگران خیانت محسوب میشود و این فقط رفسنجانی ها و رجائی ها نیستند که تدارک تنهیه - و... برای کارگران مینمایند و کارگران مبارز را اخراج و دستگیر و زندانی مینمایند و شوراها و واقعی آنها را منحل کرده اند بلکه همچنین این مجموعه باند بورژوازی لیبرال نیز بودند که از هیچ کوششی برای انحلال شوراها و واقعی کارگران، و سرکوب آنها و حمایت از سرمایه داران فرو گذار ننمودند. کارگران انقلابی نباید فراموش کنند که همین آقای بنی صدر با شعار "شورایی شورا" برای کارگران چهره ضد کارگری خود را بدانان نشان داد. اکنون مبارزه رانندگان و کارگران زحمتکش شرکت واحد مبارزه ای است بحق و رژیم جمهوری اسلامی آنرا سرکوب میکند تا با تکاء بدان صدای حق طلبانه همه شما را خفه کند! پیروزی کارگران شرکت واحد در مبارزاتشان پیروزی همه کارگران ایران است! و این تنها همبستگی همه ما امکان پذیر است.

کارگران و زحمتکشان ما حاضرند پیاده بر سر کارشان بیروند تا مبارزات کارگران شرکت واحد به پیروزی برسد! کارگران جدا از هم را رژیم ضد کارگری راحتتر میتواند سرکوب کند ولی وقتی همه کارگران با هم متحد باشند هیچ قدرتی قادر به درهم شکستن آنها نخواهد شد بخاطر بیاوریم، زما - نیکه در دوران سیاه آریامهر خائن کارگران صنعت نفت اعتصاب کردند ما حاضر به تحمل سرما شدیم ولی ننگ خیانت به کارگران زحمتکش نفت را بجان نخریدیم و اکنون نیز همراه کارگران شرکت واحد برای حقوق حقه مان خواهیم جنگید!

زننده بباد جنبش کارگری ایران!

پیروز باد مبارزات کارگران و زحمتکشان شرکت واحد!



نبود باد سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

دارد تا به عنوان مثال با تحریم شرکت فوق از طرف کارگران بیکار مانع از اخراج کارگران شاغل گردند و...

کارگران در مبارزات اقتصادی‌شان در حال حاضر
چوب عدم وجود تشکیلات (اتحادیه های کارگری) همبسته
و سراسری را می‌خورند و بهمین دلیل نمیتوانند چون
تنی واحد در مقابل سرمایه داران قرار گیرند نتیجتاً
علیرغم جانفشانیها و مبارزات دلیرانه شان به شکستهای
این چنین نیز میرسند ولی این شکستها سراسر تجربه
است تجاربی که نیاز به تشکیلات را هر چه بیشتر نشان
میدهد . نیازی که کارگران آگاه ، انقلابی و کمونیست
موظفند در ساختمان آن هر چه بیشتر بکوشند !

جمہوری اسلامی...

وقتی که جهان به دو بلوک سوسیالیسم و امپریا -
لیسم تقسیم میشود راه سومی بین این دو نمیتواند
وجود داشته باشد. بنا براین بلوک بندیهای کشورهای
با مصلاح جهان سوم تحت عنوان غیر متعهدها خالی از
مفهوم واقعی است. رژیمهای ارتجاعی این بلوک
و انمود میکنند که ضد امپریالیست و مستقل از جهان
امپریالیستی و مترقی میباشند در حالیکه عملامی -
بینیم که کشورهای شرکت کننده در دو بلوک بندی آمر -
یکا و روسیه امپریالیستی قرار دارند.

شرکت افغانستان، کوبا، هند از یکسو و پاکستان، سعودی و اندونزی از سوی دیگر نمایندگان بلوک بنسبی این کنفرانس با ممبرالیستهای شوروی و آمریکائیست است و هیچگونه ماهیت مترقی و ضد امپریالیستی ندارد، زیرا هدفی که کشورهای تشکیل دهنده این کنفرانس دنبال مینمودند یعنی بازگشائی راه سومی مستقل از بلوک کشورهای عضو ناتو و ورشو، بدلیل وابستگی های اقتصادی - نظامی و سیاسی این کشورها به دو بلوک امپریالیستی شرق و غرب نمیتواند این کشورها را از دو بلوک فوق الذکر مستقل گرداند.

با آگاهی به این موضوع که کنفرانس کاملاً متعهد میباشد ، ببینیم شرکت ایران در این کنفرانس بچه منظور بود آیا موفقیتی کسب کرد یا نه و چرا ؟ شرکت ایران در این کنفرانس که بمنظور خروج از انزوای سیاسی بود نتوانست برای ایران موفقیتی داشته باشد ، زیرا ایران ۳ پیشنهاد داد ، پیشنهادات عبارتند از ۱ - تشکیل بانک اقتصادی از کشورهای منطقه ۲ - شورای نگهبان برای کنترل و قضاوت جهت ندادن پایگاه و تسهیلات از سوی کشور - های منطقه به ابر قدرتها ۳ - خواستار خروج قوای نظامی عراق از ایران و محکوم نمودن این کشور و خارج نمودن و لغو عضویت عراق ، مصر و افغانستان از کشورهای غیر متعهد گردید که هیچکدام پذیرفته نشد . بهزاد نبوی سرپرست هیئت ایرانی شرکت کننده در کنفرانس و زرای خارجه کشورهای غیر متعهد در مراجعت از کنفرانس گفت اولا شرکت ما در این

کنفرانس بدون کوچکترین موفقیتی جهت خروج از انزوای سیاسی مان بوده است زیرا " هیچ امیدی به تصمیمات کنفرانس نداریم " و کشورهای عضو کنفرانس " عافیت طلبی را در سکوت و بی تفاوتی یافتند و این بزرگترین انتقاد ما به آنهاست "

در مورد طرح ایران آقای نبوی گفت که با هیچ یک از طرحهای ایران موافقت نشد. قابل توجه است بعد از کنفرانس سران کشورهای اسلامی در طائف و کشور خلیج فارس یعنی عربستان سعودی، قطر، بحرین، کویت، عمان و امارات متحده عربی کوششهای خود را آغاز نمودند تا یک اتحادیه نظامی مشترک در خلیج فارس بوجود آورند. این طرح بطور قطع با بتکبار امپریالیستهای آمریکا و انگلیس صورت گرفته است و وابستگی کشورهای دست نشانده و وابسته ای مثل عربستان و عمان و... با امپریالیسم آمریکا و نفوذ امپریالیسم انگلیس در این کشورها گویای این مسئله است. درست در روزهای اول اعلام طرح ایجاد این بلوک بندی جدید سفر مارگارت تاچر به کشورهای منطقه گویای توافق امپریالیسم انگلیس با طرح مذکور میباشد. شک نیست این طرح در مرحله اول در مقابله با جنبشهای رهاشی بخش و خلقهای منطقه و در مرحله دوم در مقابله با گسترش نفوذ و رسوخ امپریالیسم شوروی و کشورهای سرمایه داری بلوک شرق و سایر اقطار شوروی است که بخصوص در رابطه با اوجگیری مبارزات زحمتکشان ایران بروسعت دامنه آنان در منطقه افزوده شده است. طرح اتحادیه نظامی کشورهای منطقه همان طرح قدیمی است که حتی کشورهای عربی منطقه در دوران حاکمیت رژیم شاه نیز مطرح نموده بودند و امپریالیسم آمریکا و انگلیس نمیتوانستند با نفوذ و سلطه کم نظیر خود به رژیم شاه با آنان موافقت کنند و اکنون که شاه سرنگون شده و رژیم جدید نیز علیرغم اینکه در مسائل اساسی سیاستهای داخلی و خارجی پا در جای پای رژیم شاه میگذارد، دارای یک سلسله اختلاقات سطحی با امپریالیسم آمریکاست و اساسا بدلیل اینکه رژیم فعلی دارای ثبات سیاسی نبوده و قادر به اجرای کامل برنامه های امپریالیسم آمریکا نیست و لذا با این طرح بدون ایران موافقت نموده است. و طرح مستقل ایران دامن بر تشکیل شورای نگهبان مرکب از کشورهای منطقه در واقع طرحی در مقابل طرح فوق بوده که با آن مخالفت گردید. همچنین با سومین نکته برنامه ایران نیز در کنفرانس دامن بر خروج ایران و مصر وافغانستان از کشورهای غیر متعهد و محکومیت عراق و خواستن خروج نظامی عراق از ایران نیز مخالفت شده و رد گردید در واقع علیرغم ماهیت ضد خلقی رژیم ایران و بخصوص از آنجائیکه هیئت نمایندگی ایران از حزبون بودند و این جناح پیش از پیش در جامعه و جهان بی اعتبار شده و در درون آنها نیز جریانهای متعایل بشوروی هستند کشورهای مزدور و وابسته با امپریالیستهای آمریکائی و غربی در این کنفرانس که اکثریت کشورهای را نیز تشکیل میدادند چندان هیئت نمایندگی ایران را " بازی " نگرفتند.

نامه ای را که در اینجا ملاحظه میکنید یکی از همان نامه های انتقادی است که بدان پاسخ داده میشود.

★ ★ ★

نبرد شماره ۱ مقاله مرحله نوین در کشمکش جناحهای حاکم در این مقاله بحث میشود که حزب جمهوری اسلامی با آگاهی براهمیت سازماندهی و ایجاد تشکیلات بعنوان ابزار کار ساز اعمال حاکمیت و تثبیت در اولین فرصت به تشکیل حزب، انتشار ارگان، تاسیس نهادها و لژیونهای مختلف خود پرداختند و از همین طریق به تصرف بخشهای مختلف قدرت دست زدند و بسی بورژوازی لیبرال با ذهنیگری و اعتماد بنفس اتوپیک و جهان بینی ارتجاعی اومانسیم انگارگرایانه و برآورد ضد تاریخی خویش از نقش توده ها پیرای درک دینا- میسم تحولات و فراشد تغییرات درون حاکمیت و قدرت را نداشت و حالا بورژوازی لیبرال با یک خوردن و با یک جمع بندی نقادانه از گذشته اش کاملاً از خواب خرگوشی اش بیدار است.

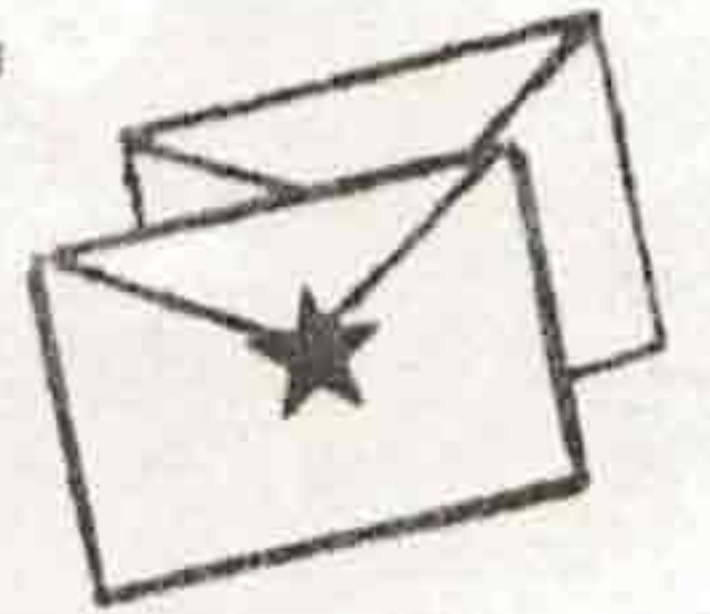
می بینیم نبرد صفات ذهنیگری و اعتماد بنفس اتوپیک و جهان بینی ارتجاعی اومانسیم انگارگرایانه و برآورد ضد تاریخی خویش از نقش توده ها را به بورژوازی لیبرال نسبت میدهد تا توضیح دهد چرا بورژوازی لیبرال در مقابل جناح رقیب به خواب خرگوشی فرو رفته بود. اما در نبرد شماره ۹ از دور اندیشی بورژوازی لیبرال سخن میگوید:

"آری در چنین زمانی لیبرالهای هیئت حاکمه با دوراندیشی بیشتری تشخیص دادند که ... و همچنین در نبرد شماره ۱۰ در مورد برخورد بورژوازی به پرولتاریا و قدرت سیاسی و حریف خود در قدرت بحث می کند و در ادامه بحث به بورژوازی هشیار ایران میپردازد (مقاله لیبرالها و تحکیم سیستم سرمایه داری و - بسته)

"بورژوازی در کینه طبقاتی نسبت به پرولتاریا آنقدر عمیق است و آنقدر آشتی ناپذیر که در رقابت با رقیب در قدرت نیز، بنا به ماهیت طبقاتی خود به سرکوب پرولتاریا میپردازد تا ثابت کند در سرکوب طبقاتی طبقه کارگر پیگیرتر و استوارتر بوده و بنا براین "لیا- قت" و "کاردانی" بیشتری جهت تصاحب بلامنازع قدرت را دارد؛ تا ثابت کند که در اعمال دیکتاتوری بورژوازی از حریف قاطعتر و آماده تر است. بورژوازی "هشیار" و تامفر استخوان ارتجاعی ایران ..."

تناقض در این بحث موضوع پیدا است. چنانچه برخورد نبرد به حزب جمهوری اسلامی نیز غیر از این نیست. در نبرد شماره ۱ صحبت از آگاهی حزب جمهوری

پیشنهادات و انتقادات



مدتی است که از طرف رفقای مختلف نامه ها و پیشنهاداتی در جهت غنا بخشیدن به نشریه به ما میرسد که متأسفانه تا کنون قادر به پاسخ گفتن به آنان نشده بودیم. اما اکنون این فرصت بدست آمده و ما از این بابت نامه ها و نوشته های انتقادی و پیشنهادات رفقا را در این صفحات درج خواهیم کرد. در این رابطه توضیح دو نکته ضروریست اولاً بر خلاف روش حاکم در میان کمونیستها صفحه ای را که ما در اینجا برای پاسخ به انتقادات و پیشنهادات باز می گشائیم برای رفع و رجوع کارها و در رابطه با رفع نیازهای فردی افراد نیست بلکه این صفحات عمدتاً در خدمت مبارزه ایدئولوژیک و برای هر چه غنی تر کردن نشریه و کمک به ارتقاء مبانی سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی جنبش است مگر در موارد نادری که ضرورت داشته باشد ما اقدام به پاسخهای خطی برای رفع نیازهای فردی افراد می نمائیم. اما روح حاکم بر این صفحات باز گشودن بحثهای سیاسی - ایدئولوژیک میباشد. از همین زوایه ما خود را ملزم به پاسخ همه نامه های رسیده نمیدانیم بلکه هیئت تحریریه تنها به نامه ها و پاسخی که در خدمت رشد و ارتقاء جنبش کمونیستی و اولویت موضوعات در شرایط ویژه کنونی باشد.

دوم اینکه چون این صفحات در خدمت رشد مبانی سیاسی - ایدئولوژیک جنبش کمونیستی است فقط در خدمت اعضاء و هواداران گروه خودمان نبوده بلکه صفحاتی است که در اختیار همه نیروهای جنبش کمونیستی میباشد. امید داریم همه دوستداران و همپایان تیزانهای جنبش کمونیستی ما را در حل مسائل و مشکلات جنبش یاری دهند.

ما اطمینان داریم که نشریه نبرد تا زمانیکه نتواند یک کانال فکری بین خود و همه هواداران جنبش کمونیستی بوجود آورد هرگز از عهده انجام وظیفه کمونیستی خود بر نخواهد آمد. ما در شماره های آینده در مورد ضرورت حیاتی همکاری هواداران جنبش کمونیستی با نشریه در مقاله جداگانه ای صحبت خواهیم کرد ولی آنچه که در اینجا باید مورد تاکید قرار گیرد همان احتیاج مبرم و حیاتی نشریه به کمکهای مخصصاً فکری همه هواداران جنبش کمونیستی است.

(هیئت تحریریه نبرد)

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

و قدرت را نداشت

بعبارت دیگر طبق این نظر، بورژوازی ایران که امروز در راس قدرت حاکمه قرار گرفته است (چنانچه از آن به معنای واقعی کلمه بورژوازی لیبرال است و دارای اتوپسم لیبرالی است، "اومانسیم انگار گرایانه" این بورژوازی خواهان آزادی است و... ولی آیا چنین حکمی درباره بورژوازی "لیبرال" ایران صادق است بعبارت دیگر آیا این بورژوازی لیبرال است چنین میگوید:

"این اتوپسی ها زائیده منافع آن طبقاتی است که بر ضد نظام کهن بر ضد سرواژ و بیدادگری و خلاصه "بر ضد پورشکویج ها" مبارزه مینمایند ولی این مبارزه جای مستقلى را اشغال نمیکند این اتوپسی این تخیلات را عیده این عدم استقلال یا این ضعف است. خیالپرستی - بهره ضعف است (دو اتوپسی)

بعبارت دیگر بورژوازی برای رسیدن به سیادت طبقاتی خود ناگزیر است که در راه "آزادی سیاسی" مبارزه نماید و از آنجاییکه از توده های انقلابی بیش از ارتجاع حاکم میهراسد از این جهت است که فقط برای جلب توده ها، شرکت و تقسیم قدرت با ارتجاع ظاهر دمکراتیک و آزادپخواه بخود میگیرد. بعبارت دیگر او مبلغ سازش ارتجاع ها کم و توده های انقلابی است.

این بورژوازی در گذشته با دیکتاتوری حاکم در تضاد بود و سهم شدن خود را در قدرت در مخالفت با این دیکتاتوری میدید ولی از روحیه انقلابی توده ها از دمکراتیسیم توده ها، از جنبش و مجاهدت توده ها و از انقلاب توده ها که منافع کل بورژوازی را مورد تهاجم خود قرار میدهد بیشتر میهراسید، به همین جهت در پی سازش جنبش توده ها با رژیم شاه جلا داد بود.

ولی این بورژوازی دیگر بقدرت رسیده است و امروز نه ابوزیسیون در مقابل قدرت حاکمه بلکه خود در قدرت حاکمه است. این بورژوازی اینک خود در راس سیستم سرمایه داری وابسته و بمنابیه حافظ و بسط دهنده این نظام عمل مینماید. حفظ و بسط نظام سرمایه داری وابسته بدون اعمال دیکتاتوری بورژوازی بدون تحدید آزادیها اساسا امکان پذیر نیست.

دو سال تجربه مبارزه طبقاتی در ایران بجهت بهترین شکلی اعمال دیکتاتوری بورژوازی را بنمایش گذارده است. اینان قبل از هر چیز و در بالای تمامی برنامه های خود سازماندهی ارگانهای سرکوبگر طبقاتی و بخصوص ترمیم سازماندهی ارتش، شهربانی، ساواک و... را قرار داده اند. در زمینه سرکوب ایدئولوژیک - سیاسی پرولتاریا نیز میتوان به تمامی نشریات این بورژوازی مراجعه نمود تا واقعیت کوشش آنها در سرکوب هر نوع اندیشه و دمکراسی پرولتاریا را مشاهده نمود و...

ولی آنچه که این بورژوازی را ظاهر لیبرال و آزادپخواه میبخشد نه اتوپسم لیبرالی آن، بل عوامفریبی با نقشه و برنامه این بورژوازی برای سرکوب جنبش است که در تکامل خود اساس حاکمیت همین

براهمیت سازماندهی و ایجاد تشکیلات بعنوان ابزار کار ساز اعمال حاکمیت و تثبیت در اولین فرصت به تشکیل حزب، انتشار ارگان، تاسیس نهادهای ولژیو - نهایی مختلف خود میباشد در حالیکه در نبرد شماره ۹ بحث میکند حزب جمهوری فاقد دوراندیشی است (مقاله طوفان در راه است)

"اما جناح رقیب یعنی حزب جمهوری اسلامی بدلیل فقدان دوراندیشی خود نتوانست برگزینگان آن حریف خود را بخواند امروز از اینهمه انزوای اجتماعی خود و قرار گرفتن در آماج اینهمه حملات و باز شدن مشت های خیانتکارانه اش و بهره برداری حریف لیبرالها از آن سخت انگشت بدهان شده است"

حال باید پرسید ارزیابی نبرد از دوراندیشی خرده بورژوازی و دوراندیشی بورژوازی در قدرت حاکمه ناشی از چیست؟

باید پرسید مگر جناحهایی که در قدرت اند سیاستهای خود را تنها در رابطه با جناح رقیب اتخاذ میکنند که بقول نبرد بورژوازی لیبرال در ابتدا به خواب خرگوشی فرو میرود و سپس با یک خوردن و یک جمع بندی نقادانه تغییر جهت میدهد؟ که حزب جمهوری اسلامی نیز برگزینگان آن حریف را بخواند و اکنون سخت انگشت بدهان است؟



بورژوازی "لیبرال" و اتوپسم لیبرالی؟

درنامه رسیده دو مسئله طرح شده است: اول آنکه نبرد حزب جمهوری اسلامی را حزبی خرده بورژوازی و بر این اساس تضاد درون هیئت حاکمه را تضاد بین بورژوازی و خرده بورژوازی ارزیابی میکند. و دوم آنکه نبرد میگوید "جناحهایی که در قدرت اند سیاستهای خود را تنها در رابطه با جناح رقیب اتخاذ میکنند" مقدم بر آنکه وارد بحث پاسخ به دو مسئله مطروحه گردیم، تناقضات مهمی که در نوشته نبرد وجود دارد و رفیق نویسنده نامه فقط بدان اشاره کرده و بدان پرداخته است، چنین است که در نبرد شماره ۱ بورژوازی را دچار اتوپسم لیبرالی و در نبردهای شماره ۹، ۱۰، ۱۱ و... بورژوازی "لیبرال" رانده دچار اتوپسم لیبرالی بلکه تنها سیاست آنرا بظاهر "ظاهری" لیبرالی "ارزیابی میکند. برای روشن شدن مطلب به تشریح مسئله میپردازیم.

در نبرد شماره ۱ در خصوص جناحی از قدرت حاکمه ایران که به بورژوازی "لیبرال" معروف است چنین میگوید:

"ذهنیگری و اعتماد بنفس اتوپیک او سبب شده که در احتساب نیروی رقیب، دافره امکانات و برد موفقیتش بکلی دچار غطا گردد و معادلات بسیار غلطی را در ذهن و اندیشه خود غطورونقش دهد. بورژوازی بتأثیر از همان جهان بینشی ارتجاعی و اومانسیم انگار گرایانه و برآورد ضد تاریخی خویش از نقش توده ها یارای درک دینا - میسم تحولات و فراشد تغییرات درون حاکمیت

بورژوازی ارزیابی ننموده و آنرا دقیقاً بورژوازی ارزیابی کرده و میکند (صرفنظر از بحث در مورد ماهیت طبقاتی دقیق قدرت دولتی) بنا براین سیاست رهبری حزب جمهوری را نیز نمیتواند دوراندیشی خرده-بورژوازی بدانند!

نکته دیگر نیز نشاندهنده استنباط نامحسوس رفیق از نظر نبرد در مورد تضادهای درون هیئت حاکمه است که آن را صرفاً ناشی از رقابت دو جناح میدانند در حالیکه ما رشد تضادهای درون حاکمیت را نیز بطور اساسی ناشی از رشد بحران سیاسی - اجتماعی جامعه - مان و تنها انعکاسی از آن میبینیم. تضادهای درون قدرت حاکمه در درجه اول تضاد برنامه ها در چگونگی سرکوب توده ها و انقلاب، رفع بحران و تثبیت و تحکیم قدرت سیاسی بورژوازی و حفظ نظام سرمایه داری وابسته است و سیاستهایشان براین تعیین میشود و لاغیر! در حالیکه اصولاً تضاد درون جناحهای مختلف هیئت حاکمه را که در ضمن ناشی از رقابت درون ضد انقلاب برای حفظ منافع بلوکهای سرمایه داری متفاوت است نیز نباید از نظر دور نگهداشته شود و هرچند که این جنبه اساساً جنبه عمده نباشد!

توطئه های رژیم و مقاومت قهرمانانه

زحمتکشان "خاک سفید"

پس از آنکه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی چون قوم مغول به زحمتکشان خاک سفید ناخشنود و در عرض مدت زمانی کوتاه هر آنچه از آبادی نام داشت را نابود ساختند باز هم آرام ننشستند، باز هم توطئه و دسیسه و قصد حمله و همه اینها در مقابل اراده زحمتکشانی که عزم کرده اند تا در خدمت منافع خود و برای تامین آن در مقابل سرمایه داران و دولت مدافع آنان مقاومت کنند!

اولین توطئه رژیم پس از مشاهده تلاش این زحمتکشان در باز سازی خانه های خود، کوشش در جلوگیری از رسیدن مصالح مورد نیاز اهالی است. از گذشته برای منطقه خاک سفید تانکری آب میآمد که آب اهالی را تامین میکرد البته آب بشکه ای ۵ ریال به اهالی فروخته میشد. در شرایط فعلی که اهالی بکار بنیانی مشغولند نیاز به آب بیشتر نیز شده بود ولی از روز ۱۵ بهمن عمال رژیم از آورده شدن آب به منطقه جلوگیری بعمل آورده اند. تا بدین ترتیب مانع از کار بنیانی اهالی گردند مردم منطقه برای تامین آب به یک چشمه که در سمت راست منطقه و قهوه خانه ای که در سمت چپ آن قرار دارد مراجعه مینمایند و روشن است که تهیه آب بدین طریق با چه مشکلاتی روبروست. توطئه دوم کوشش در فریب آنها و تخفیف روحیه انقلابیشان است که قبلاً با ارسال گزارشگران رادیو و تهیه برخی از گزارشات که بنا به اذعان خود گزارشگر هرگز بخش نخواهند شد چرا که اگر بخش گردد بسیاری از مستضعفین جهت تهیه مسکن بدانجا سرازیر خواهند شد، سعی میکنند که خود را حامی مستضعفان

بورژوازی را نابود خواهد ساخت! عبارت دیگر اگر بنی صدر سخن از آزادی مطبوعات، آزادی بیان، مناظره و... میگوید نه بدلیل اتوپسیسم لیبرالیستی و اومانسیسم انگارگرایانه این بورژوازی، بلکه دقیقاً خط و برنامه این بورژوازی برای فریب توده ها در جهت طولانی نمودن زندگی حاکمیت سیاسی خویش است علاوه براین نبرد ۱ عدم بسیج توده ای این بورژوازی را نیز بحساب ذهنیگرایی او میگذارد بدین طریق که "در حالیکه بدلیل فتور سیاسی اش ذهنیگرایی غرور آلود و خواب غرگوشی اش نه تنها موجب به تحدید حیات سازمانی خود نشده که حتی استخوان بندی و ارگانسیم پیش از این خویش را هم از دست داده است، نه تشکیلات مستقل حزبی اش را بوجود آورده نه لژیونهای خاصی برای خود ایجاد کرده، نه عرصه های معین بسیجی برای خود دست و پا نموده و نه ارگان یکپارچه ای انتشار داده است"

بدین طریق نبرد ۱ به نفی این حقیقت پرداخته است که علت عدم بسیج توده ای بورژوازی لیبرال نه بدلیل عدم خواست او، نه بدلیل ذهنیگرایی غرور آلود و... او بلکه بدلیل آنستکه توده های مبارزه در پراتیک دو سال مبارزه انقلابی خود تا حدود زیادی پی به سازشکاریهای بورژوازی لیبرال برده و این نیرو اساساً قادر به بسیج توده های میلیونی خلق نگردیده، بود بعلاوه آنکه پس از قیام نیز بطور دائم مورد حمله نیروهای انقلابی کمونیست از سوئی و "افشاگریهای" جناح رقیب به جهت حفظ هژمونی خود در قدرت از سوئی دیگر میباشد. صرفنظر از آن بورژوازی "لیبرال" همان گونه که تشکیل دولت موقت و حتی مرحله بعد از آن شان داد فکر میکرد میتواند رفته رفته جناح حزبش را به و ن اینکه برای خود تشکیلات جداگانه ای بسازد بطرف برنامه های خود بکشانند و این نقشه بورژوازی - "لیبرال" اتفاقاً نتنها نشاندهنده اتوپسیسم او نیست بلکه نشاندهنده هدف نقشه مند او در پاسداری آگاهانه از سیستم و نابودی دموکراسی است. ضمن اینکه بطور طبیعی نیز توده های مردم بدلیل عقاید مذهبی خود و از آنجاییکه جنبش ایران نیز شدیداً آغشته به مذهب بود عمدتاً در تاروپود شبکه حزبش که اساساً محل تجمع روحانیت مرتجع بود قرار میگرفتند.

بعبارت دیگر توده های مادر جنبش ۵۶ و ۵۷ و پس از آن بطور عمده نسبت به جناح دیگر هیئت حاکمه کنونی متوهم بوده و تحت رهبری آن قرار گرفته است و بورژوازی لیبرال نه از جهت عدم خواست و ذهنیگرایی بلکه از نظر عدم توانائی اش در یک دوره قادر به بسیج و سازماندهی توده ای نبوده است ولی اکنون که توهومات توده ها نسبت به جناح دیگر تا حدود زیادی شکسته است در تلاش و بسیج درجهت سازماندهی و بسیج توده ها نیز برآمده است!

و اما در مورد سئوالات رفیق! برخلاف نظر رفیق در خصوص نظر نبرد در مورد حزب جمهوری اسلامی نبرد رهبری و خط هدایت کننده حزب جمهوری اسلامی را خرد-

اخبار کشور - کیهان - یکشنبه ۶ شهریور ۲۰۳۶ - ۲۸ اوت ۱۹۷۷ - شماره ۱۰۲۵۲

تخریب خانه‌های خارج محدوده ادامه دارد



تخریب خانه‌های
بی جواز ادامه دارد

گروهی از یارین شهرناری
تهران از صبح امروز هجوم به
خانه‌های خارج از محدوده
تهران را در سطح وسیع
شروع کردند و تعدادی خانه را
ویران کردند.

حامیان امروز برای اینکه
مردم و ساختمان‌های تهران را
از طرف به تین خانه‌های خارج
از محدوده شلخته شود لازم
جای آبی بر سر گذاشته بودند
و تعدادی از آنها نیز به
همراه پرده بودند. در پی
مطالب خارج از محدوده که
حامیان در آنها خانه‌های مردم
را تخریب کردند. حامیان به
همراهی میهن‌دیده در صورت
حمله مردم و درگیری با
حامیان به تین شهرناری
توانستند که در صورت
امتناسه که گول را دستگیر
کنند.

این یکی از خانه‌هایی است که با حمله حامیان شهرناری در جوار پل تهران پارس خراب شده است

تجربه قبلی به شهر رفته و کامیونی برای لاستیک
فرسوده به منطقه آورده و بین اهالی پخش میکنند که
در صورت حمله به منطقه آتش زده شود علاوه آنکه با
تهیه کوکتل مولوتف و ... آماده پاسخگویی به تهاجم
عمال رژیم میگردند ولی مزدوران رژیم آنچنان که
اهالی میگویند زمانیکه بسیج این چنینی توده ها را می
بینند از ترس و وحشت از حمله صرف نظر میکنند! و این
تجربه ای باشد برای رژیم منفور حاکم که دیگر هوس
خراب کردن خانه زحمتکشان خاک سفید بر سر نزنند!
(هر چند که رژیم توانایی تجربه اندوزی ندارد)
چنین است مقاومت زحمتکشان انقلابی خاک سفید
علاوه بر این، این مردم رنج دیده با درک از واقعیت
ضرورت اتحاد و وجود آوردن تشکلی که نماینده این
اتحاد و رهبری کننده مبارزات مردم باشد اقدام به
ایجاد شورای واقعی خودشان نموده اند تا بطور

نشان دهند غافل از آنکه توده ای را که واقعیت
است شمارگران و سرکوبگران رژیم را در زندگی
خودشان آنچنان شناخته است که زحمتکشان خاک سفید، هرگز
فربسب این کوششهای مذبوحانه را نخواهند خورد.
زندانی کردن زحمتکشان خاک سفید اعم از زن و
مرد و کودک، جهت تهیه تعهد که اقدام به تهیه
ساختمان نکرده و یا خودشان ساختمان خودشان را خراب
کنند توطئه شوم و سبانه دیگر این رژیم است. وزما-
نیکه رژیم علی رغم تمامی این توطئه ها موفق نمیشود
که جلوی مردم ستم دیده خاک سفید را در تهیه مسکن
مورد نیاز خود بگیرد این بار با زهم تلاش در تکرار حملات
حشیانه و مغول وار خود جهت تخریب منازل را از سر
میگیرد بعنوان مثال: یک روز صبح مردم اطلاع یافته
بودند که رژیم قصد دارد روز ۲۲ بهمن بار دیگر
تخریب منازل بپردازد. اما این بار مردم قهرمان
شده مقابله بودند بدین دلیل اهالی با تکیه بر

دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۵۹

پنجم ربيع الاول ۱۴۰۱ - شماره ۱۱۱۸۸

کیهان



مادی از ساختمانهای فاقد مجوز
قانونی تخریب شد

راه سوسیالیسم

(۲)

ارگان تئوریک سیاسی

گروه کمونیستی نبرد

منتشر شد.

مقداری پول بهر یک از کمیته‌چیه‌ها پاداش خوش خدمتی آنها را داده و گفت "خیلی معذرت می‌خواهم که مزاحم - تان شدم این مبلغ را رشوه حساب نکنید این پول مال خودتان است و ... " و کمیته‌چیه‌ها بهنگام خدا حافظی گفتند "اگر باز هم پیشامدی شد ما را خبر کنید" سر- مایه‌داران پاسداران منافع خود را خبر کنند تا درقبال دریافت حق مزد و ریشان توده‌های زحمتکش را سرکوب کنند جنایت کنند، شاعت کنند و ...

روز سه‌شنبه باز هم بساطیها در محل جمع شدند و خواستار یکسره شدن کارشان شدند و طبق معمول با جواب سربالای بنگاه، باز هم کمیته‌چیه‌ها به دعوت مسئول بنگاه برای سرکوب به محل آمدند ولی اینبار بساطیهای خشمگین بدانها حمله کرده و یکی از پاسداران را که روز قبل هم به آنجا آمده بود آنقدر کتک زدند که روانه بیمارستان شد. علیرغم این هنوز هم بساطیها بحق خود نرسیده‌اند و قرار بر این است که ۲۸ بهمن بار دیگر در محل مجتمع شوند. لازم است که بگوئیم که تعداد بساطیها ۱۰۰ نفر و تعداد مشع ۱۰۰۰۰ طاقه میباشد.

و در حالیکه سرمایه‌داران دهها طاقه را تصاحب میکنند، بساطیها برای دریافت حتی یک طاقه میا - بست طعم سرکوب رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را بجشد ولی ظلم و ستم سرمایه‌داران تا کی؟

کمکهای مالی

تهران

۶ - ب	۱۰۰۰ ریال
۵ - م	۱۰۰۰ ریال
۱۲ - ت	۲۰۰۰ ریال
ف - معلم	۲۰۰۰۰ ریال
۱۳ - م	۲۰۰۰ ریال
علی	۶۰۰ ریال
ش - ۲۵	۱۰۰۰۰ ریال
ه - ۳۵	۸۰۰۰ ریال
۴ - م	۱۰۰۰ ریال
د - ۱۸ دانش آموز	۱۰۰۰ ریال
ت - ۱۲	۸۰۰۰ ریال
ه - ۳۵	۵۰۰۰ ریال
۴ - م	۱۰۰۰۰ ریال
ف - ۱	۵۰۰۰ ریال
ف - ۱	۶۰۰۰ ریال
الف ۵۵	۲۰۰۰ ریال

(رفیق کارگر)

رفقای "فریاد زحمتکشان جنوب" ۲۵۰۰۰ ریال

اصفهان

ع -	۱۰۰۰۰ ریال
ع - ه	۲۰۰۰۰ ریال
ت - م ۳۷	۱۰۰۰ ریال

مشکل و یکپارچه در مقابل رژیم سرمایه داران مبارزه و مقاومت نمایند.

رژیم یکبار و بنا بر ماهیت استثمارگرانه خود به خاک سفید حمله کرد و هرگز گمان نمی‌کرد که مردم زحمتکش منطقه به چنین دستاوردهائی برسند خانه های اهالی منطقه خراب شد ولی بجای آن درس اتحاد، درس مبارزه و مقاومت گرفتند و هم امروز با اتکاء به چنین درسهای است که بناهای خود را از نو می‌سازند. به امید روزی که بنای ایران نو ایران دمکراتیک و مستقل، بدست کارگران و کلیه زحمتکشان ایران ساخته شود!

حاجیهای بازار را گردن کلفت تر میکنند، زحمتکشان بازار را سرکوب میکنند!

روز دوشنبه ۲۷ بهمن عده‌ای از بساطیهای زحمتکش مشع فروش در خیابان ۱۵ خرداد (بوذرجمهری) جلوی بنگاه نایلون فروشی درختانی تجمع کرده بودند و صفی نسبتاً طولانی برای تهیه مشع تشکیل داده بودند. بساطیها چهار روز بود که جهت دریافت یک طاقه مشع به محل مراجعه کرده و انتظار میکشیدند. بالاخره ساعت ۱۰ یکی از مسئولین بنگاه به میان مردم آمده و اظهار داشت که " امروز اسم شما را مینویسم و روز چهارشنبه ۲۹ بهمن بهر کدام یک طاقه مشع خواهیم داد ". عده ای از بساطیها معترض این امر شده و گفتند که " ما از اینجا نمیرویم مگر آنکه مشع را بگیریم. چهار روز است که علاف یک طاقه مشع هستیم و ... " مسئول بنگاه گفت که این حرفها سرم نمیشود اینرا باید از مسئول بالا پرسید " بعد هم پیراز نوشتن اسم افراد زبنت ولی بساطیها محل را ترک نکرده و همانجا ماندند. در همین موقع عده‌ای چند از بازاربها برای دریافت مشع مراجعه کرده و هر یک ۶ طاقه مشع را تحویل گرفتند. بساطیها بعد از چهار روز معطلی حق دریافت یک طاقه هم نداشتند در حالیکه تجار از دزد و غارتگر بازار ۶ طاقه دریافت میداشتند این امر فریاد اعتراض بساطیها را بلند کرد که " چرا به آنها ۶ طاقه میدهند و ما هیچ نمیدهد " و بعد هم مانع خارج کردن مشع بتوسط بازاریان از بنگاه شدند. در این هنگام مسئول بنگاه (مشیری) به کلانتری ۹ مراجعه کرده و تقاضای کمک از دولت‌جا - می سرمایه‌داران (یعنی خودشان) نمود. چندی نگذشت که ۵ کمیته چی مسلح بدانجا رفتند و با تهدید و ار - عاب و کتک بساطیها، بازاریان را حمایت کرده و طاقه - هایشان را از بنگاه بیرون آوردند ولی باز هم بساطی - های زحمتکش ریختند که با ممانعت کمیته چیها روبرو شدند. ساعت ۱۲/۵ کمیته‌چیها که وظیفه ننگین پاسداری از سرمایه را در بنگاه تمام کرده بودند، قصد عزیمت داشتند. مسئول بنگاه (مشیری) با دادن

بقیه از صفحه ۲۲

هنگام پاسداران سرمایه ، به مردم حمله کرده و تعداد بسیاری را دستگیر مینمایند و بقول روزنامه انقلاب اسلامی ۳ نفر هر یک به ۴۰ ضربه شلاق و یک سال حبس تعزیری و دو سال حبس تعلیقی ، یک نفر به ۶ ماه حبس تادیبی و یک نفر به ۴۰ ضربه شلاق و یک سال حبس تعزیری و انفصال دائم از خدمت در ادارات دولتی محکوم شدند و بقول اهالی ۱۱۰ نفر دیگر نیز تحت تعقیبند ! اینهم مجازات مردمی که رهبران حزب جمهوری را مورد کسم لطفی خود قرار دهند ! جالب است که این رژیم ادعا میکند از دستگیری تنی چند چاقو و قمه کش عاجز است چرا که اینها از مزدوران خود حزب هستند .

در آلمان غربی در سخنرانی آقای باهنر در فرانکفورت نیز دانشجویان مترقی خواستار وقت سخنرانی میشوند . اتحادیه دانشجویان اسلامی در اروپا (شعبه خارجی حزب جمهوری) با اینکار مخالفت میورزد و میگوید فقط " مکتبیون " حق صحبت دارند . دانشجویان میگویند اینجا دیگر نمیتوانید مردم را فریب دهید ما هم ایرانی هستیم و میخواهیم نظراتمان را بگوییم و نتیجتاً کار به زدو خورد و تعطیل سخنرانی میکشد . در هامبورگ نیز همین وضع پیش آمده ، کلیه درها و شیشه های محل سخنرانی خرد میشود و سخنرانی تعطیل میشود در برلین نیز دانشجویان مترقی ایرانی با همراهی دانشجویان مترقی آلمانی درس خوبی به دارو دسته باهنر که قصد شناسایی و تبلیغ " انقلاب " اسلامیشان که جز بدبختی نتیجه دیگری برای مردم زحمتکش ما نداشته است میدهند . در فرانسه و ایتالیا و فیلیپین نیز برنامه سخنرانی و شناسایی " انقلاب " توسط دانشجویان مترقی ایرانی و خارجی بهم خورده است و ...

مردم ما بخاطر دارند که روز سخنرانیهای شاه خائن نیز دانشجویان مترقی ایرانی همواره با تخم مرغ گندیده از او استقبال میکردند ! در حال حاضر اعتراض به سخنرانیهای سردمداران حزبی و دولتی در شکل تحریم این سخنرانیها ، وانعکاس مستقیم در سخنرانیها که نمونه هایی از آن نقل شد به یک روند عمومی تبدیل شده است و این هنوز آغاز بحرانی است که رژیم جمهوری اسلامی را تا قعر خود و تانابودی کامل خواهد کشید !

بقیه از صفحه ۲۲

سیاسی ، رژیم بیشترین فشار اقتصادی خود را نیز برزور بر پیکر کارگران وارد مینمایند . آنها قانون پر - داخت پاداش و عیدی کارگران را چنان رذیلانه و چنان جنایتکارانه تنظیم نمودند که واقعا مبین استثمار دوران برده گری در عصر سرمایه داری است . رجوع کنیم به مقاله ای که در همین رابطه در همین شماره نشر داده است - آنان به بهانه جنگ ضمن تهدید و ارباب به کارگر - ان میگویند :

" ما اگر در پرداخت مقدار پاداش آخر سال دستان بسته است و آنچه که باید و شاید نتوانستیم به برادران کارگر برسیم . بطور قطع می دانند که آن پول را صرف تبار کشور و دفاع از میهن و اسلام عزیز بکار میبریم "

(جمهوری اسلامی ۵ اسفند)

جمهوری اسلامی در عین حال که هنوز خود را حامی کارگران میدانند ، شدیدترین سرکوب سیاسی را بر علیه آنان اعمال مینماید و از طرف دیگر از هیچگونه فشار اقتصادی بر علیه آنان فروگذار نمینماید . افزايش مالیات ، گرانی ، تورم ، انتشار اسکناس بدون پشتوانه ، کم کردن حقوق کارگران ، بازخرید آنان با زیر پا گذاشتن همان مقررات کارگری خودشان و اکنون عدم پرداخت عیدی و پاداش کارگران که در واقع قسمتی از ارزش اضافی تولید شده خودشان است .

همه بخوبی آگاهند که کارگران زحمتکش ما به قدری تحت فشار شرایط زندگی قرار دارند که همواره هفتشان در گرو هشتشان است . آنها بدلیل فشار زندگی بطور قطع چاله هایی را از قبل به پشتوانه پول هاییکه بعنوان عیدی و پاداش میگیرند ، کنده اند . اکنون جمهوری اسلامی با کمال بیشرمی میگوید که به دلیل شرایط جنگی قادر به پرداخت این حق مسلم کارگران نیست و یا مثل سالهای قبل نمیتواند پرداخت کند .

کارگران از جمهوری اسلامی سؤال میکنند : چگونه دولت قادر است ۲۰۰ میلیون تومان هزینه صرف خرید جنگ افزار کند ولی از پرداخت عیدی و پاداش ما عاجز است ؟

چگونه جمهوری اسلامی قادر است ماهانه دهها میلیون تومان صرف هزینه های نظامی کند ولی از پرداخت حقوق ما عاجز است .

چگونه جمهوری اسلامی قادر است بگفته خودشان ماهانه هزینه ای بالغ بر ۵۶ میلیون تومان فقط صرف ژاندارمری در کردستان جهت قتل عام مردم بی دفاع کند ولی از پرداخت حقوق ما عاجز است . چگونه جمهوری اسلامی قادر است برابر بخشنامه خودش ۱۵ میلیون تومان پور و سرمایه همین مردم بد بخت را صرف " دکوراسیون " قصر آقای بنی مدرکنند ولی از پرداخت پاداش و عیدی ما عاجز است .

چگونه جمهوری اسلامی قادر است ۲۵ میلیون تومان سرمایه این مردم فقر زده را در اختیار منتظری برای هزینه مروجین مذهبی قرار دهد که کاری جز تحمیل مردم و اشاعه فرهنگ منحط و ارتجاعی نمینمایند ولی از پرداخت عیدی و پاداش ما عاجز است .

و

کارگران و زحمتکشان ! تمامی برخوردها و سیاستهای این جمهوری از فردای قیام در برخورد به همه طبقات زحمتکشان نشان داده است که آنان جز دشمنان قسم خورده شما هستند . شما برای شما حقوق کوچک و بزرگ اقتصادی و سیاسی خود را فقط و فقط با تکان نیروی لا - یزال خودتان میتوانید بدست آورید ●

★ ترور جنایتکارانه یک کمونیست در زندان جمهوری اسلامی

رفیق کارگر جهانگیر قلعه‌ای عضو سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) را دژخیمان جمهوری اسلامی پس از دستگیری در تظاهرات ۱۷ بهمن و شکنجه‌های قرون وسطائی آن دلاور سرانجام بطور فجیعی در زندان بضرب گلوله پاسداران سرمایه به شهادت رساندند. این اولین و آخرین یاری نیست که رژیم جمهوری اسلامی دست به چنین اعمال جنایتکارانه و هولناکی میزند، اینگونه وحشیگریها جزئی از برنامه روزمره کلیه رژیمهای ضد خلقی و فاشیستی است. سکوت در مقابل اینگونه جنایات خیانت بخلقهای قهرمان میهنان است و این عمل ننگین رژیم هشاری است به کلیه نیروهای انقلابی و مترقی که پرده از روی اینگونه جنایات برداشته و چهره کریه حکومت را هر چه بیشتر رسوا کنند.

کارگران و زحمتکشان جامعه ما باید در مقابل این هیات حاکمه و این اعمالش بشدت ایستادگی کرده و نگذارند که فرزندان انقلابیشان اینگونه طعمه دژخیمان جمهوری اسلامی شوند. باید با مبارزه بی امان انتقام خون شهیدان را از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گرفت. ییادش گرامی و جاودان باد!

★ اعدام رفیق محمود صمدی بجرم وفاداری به آرمان طبقه کارگر

دستان کشیف رژیم منفور جمهوری اسلامی باردیگر در سحرگاه روز ۱۳ بهمن بخون یک کمونیست انقلابی آلوده گشت. رفیق محمود صمدی عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگریکی دیگر از وفاداران به طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه در راه آگاه ساختن کارگران و زحمتکشان جامعه مان جان باخت، اما چه باک! از خون سرخ او هزاران لاله سربرمی آورند و هریک صدها کمونیست به جامعه عرضه میکنند. خونهای سرخی که امروز از کمونیستهای پاکباخته بوسیله جلادان رژیم جمهوری اسلامی بر زمین میریزد، نهال انقلاب و سوسیالیسم را آبیاری می کنند و این نهال با چنین خونهاییی است که رشد خواهد کرد و بیار خواهد نشست.

سردمداران ارتجاعی جمهوری اسلامی همانند شاه و دارودسته فاشیستاش نمیدانند که هرکمو نیستی که بخاک می افتد هزاران نفر بجایش می آیند و راه سرخ را ادامه میدهند و بالاخره خون آنان دامن این رژیم های جنایتکار و ضد خلقی راها خواهد ساخت.

یاد رفیق محمود گرامی باد و راهش یعنی راه انقلاب سرخ هموار باد!

★ شهادت رفیق محمد طهماسبی زاده بدست جمهوری اسلامی

در روز ۲۲ بهمن ماه ۵۹ ایادی حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی با حمله وحشیانه به تظاهرات نیروهای کمونیست در شهر آمل و با پرتاب سه راهی بمیان تظاهرکنندگان قلب مالامال از عشق به کارگران و زحمتکشان رفیق محمد طهماسبی زاده عضو سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار را از حرکت باز داشتند.

اینگونه جنایات و کشتارها بمثابة جزء لاینفکی از حکومت تروریستی جمهوری اسلامی شده و این حافظین و سردمداران سیستم سرمایه دارای وابسته ایران نیز همچون رژیم شاه برای حفظ خود در قدرت دست بهمان جنایات در بوسی وسیعتر زده است.

کارگران و توده های زحمتکش ایران باید با برافراشتن پرچم مبارزه برای سرنگونی این حکومت آجازه ندهند تا جامعه مان دوباره عرصه تاخت و تاز مستبدین و ایادی امپریالیستها گشته و گوستانی خموش و تاریک باشد.

خون این رفیق شهید و کلیه شهدای جنبش انقلابی دررگها میجوشد و ما را بمبارزه ای تا پای جان علیه رژیم دعوت میکند.

ییادش گرامی باد!

جمهوری اسلامی است. و رجائی میگوید: زمان، زمان، جنگ است. زمان، زمان، "تولید است" و "تولید را افزایش دهیم" او بکارگران آگاه میگوید "باید به خود بیایند و هر چه زودتر شرایط زمان را درک کنند زیرا مردم تحمل اینگونه حرکات ناروا را نخواهند کرد" هنوز چنین تهدید فاشیستی بنی صدر، خمینی رجائی در کوش کارگران زمزمه میکرد که رفتهجانی ندادند:

"از هر کسی هرچی باشد حتی عنوان کارگر بخودشان گرفته باشند که ترحم جلب کنند، اینها

قابل ترحم نیستند و باید به شدت تنبیه شوند" کارزار تبلیغاتی شدیداً ضدکارگری رژیم در این روزها بر علیه رانندگان اعتصابی شرکت واحد و تمامی کارگران آگاه همه و همه مبین سیاست واحد ضدکارگری و کینه طبقاتی شدید رژیم است. اما چرا همه سردمداران رژیم اینگونه بیرحمانه حملات یکپارچه خود را بر علیه کارگران آغاز نهاده اند؟

پاسخ آنرا باید در روند نبرداری و رشد آگاهیه کارگران و شروع حرکت های اعتراضی و پشت پا زدن به پایه های استقرار و اقتدار جمهوری اسلامی یعنی موهومات مذهبی خود جستجو کرد. رژیم جمهوری اسلامی نمیتوانست برای مدت مدیدی دشمنی خود را نسبت به کارگران مستور دارد. به همین جهت در مقابل کوچکترین حرکت اعتراضی کارگران از همه طرف آمادگی خود را برای سرکوب بیرحمانه آنان اعلام داشت. صرف نظر از جنبه های

بقیه در صفحه ۲۰

در آستانه سال جدید؛

کارگران آماج حملات بیرحمانه جمهوری اسلامی

سردمداران حکومتی هر کدام با کارد سلاخی زهرآکین خود بجان طبقه کارگر افتاده اند! رشد بحران های اجتماعی و ناتوانی هیئت حاکمه در مهار آن بیش از پیش ماهیت ضدکارگری دولتمردان را آشکار نموده است.

"حمایت از مستضعف" که روز و روزگاری! ورد زبان دولتمردان بوده چنان بی اعتبار شده که حتی رهبران جمهوری اسلامی از بیزبان آوردن آن خجالت می کشند. کسانی که اینهمه سنگ کارگر و دهقان را بسینه میزدند خود مجبور شدند پرده ها را بکناری زده و ماهیت واقعی خود را عریان سازند. آقای بنی صدر مدت های مدید بود که کارگران را بر عایت نظم پررؤزای و تولید بیشتر دعوت کرده و هر گونه کم کاری را معادل خیانت بحساب میآورد.

خمینی میگوید: دعوت با اعتصاب و کم کاری خیانت

"پذیرایی گرم" توده ها از سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی!

به شهرها و ممالک گوناگون در استقبال خود درسی به آنها داده اند تا دیگر هوس مسافرت و تبلیغ را از سر بدر کنند. مسافرت آقای بهشتی به شهرهای ورامین قم، نیشابور، مشهد و... تنها موجب تظاهرات وسیع مردمی شده است تا بدانجایی که سخنرانی های ایشان را بهم زده و قراریشان داده اند. آقایان رفسنجانی نیز پس از بازدید از الجزایر، سوریه و لبنان به شهرهای همدان و تبریز و تهران میروند در همدان هنگامیکه با مینی بوس در شهر در حرکت بود مردم آنقدر بطرف وی تظاهرات میکنند که راننده برای عبور مجبور میشود از برف پاک کن استفاده کند در تبریز کان بهنگام سخنرانی با تخم مرغ گندیده و گوجه فرنگی و انواع و اقسام فحشهای رکبک به بهشتی و خامنه ای و... به استقبال او میروند. در اهواز

بقیه در صفحه ۲۰

سردمداران حزب فراگیر و منفور جمهوری اسلامی در هفته های اخیر بقصد تبلیغ و کسب محبوبیت مجدد برای خود در میان توده ها به بسیاری از شهرها رفته اند و حتی فراتر از این پای را به آنطرف مرزها رسانده اند البته بر تابه مسافرت های به کشورهای امپریالیستی اساساً بدلیل بستن قراردادهای اسارت بار، برقراری روابط حسنه با امپریالیستها و متحدینشان و... است ولی در کنار این خواست، تبلیغ خود را نیز داشته اند اما هر جا که قدم گذارده اند "استقبال" گرم و بسیار شکوه توده ها از آقایان نشان داده است که تا چه حد در میان مردم ما محبوب اند!

مردم ما کم کم نتایج قیام را جمع بندی نموده اند و حاصل این جمع بندی فروریختن توهماتشان نسبت به حداقل یک جناح از رژیم جمهوری اسلامی است تا بدانجایی که در مسافرت های متعدد رهبران حزبی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

به هیبتی طبقه کارگر